

ملل متحده امریکا را پشتیبان آزادی و دموکراسی میدانند و آنها همیشه امتحان داده اند که در موقع سخت موقعی که ایران به نسبت ضعفش، به نسبت ضعف ملت و دولتش در زیر فشار دولت استعماری واقع شده بود بملت ایران کمک کردند بهترین منافع موقعی است که قضیه کنفرانس صلح پیش آمد نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح گذشته قبول نکردند و تنها کسی از دولت بزرگ که پشتیبانی از دولت ایران کرد دولت امریکا بود اما روابط مابین دولت امپراطوری انگلستان روابط قطعی و روشن ما با دولت امپراطوری انگلستان از تقریباً چهل سال پیش شروع میشود و هر ایرانی در نظر دارد که دولت انگلستان در صدر مشروطیت هوا خواه استقرار مشروطیت در ایران بوده است و از ۱۹۰۶ رسماً با مداخلات علنی دولت انگلستان بشروطه خواهان صدر مشروطیت کمک کرد و حتی مراسله ای وجود دارد که مرحوم پدر شما آقای بهبهانی نوشته اند بشارژ دافرانگلیس و رسماً تقاضا کرده اند که ملت ایران را در این مبارزه ای که بر علیه استبداد میکند یاری کنید امروز اگر پدر شما مرحوم بهبهانی احترام میکنند برای خاطر اینست که بهر قیمتی بود سعی کرد که مشروطیت بر استبداد فائق آید (قبادیان - خودشان هم مورد احترام هستند) بنده که خلافتش را نگفتم آقای قبادیان (صحیح است) اما امروز که در انگلستان بک دولت کارگری بر سر کار است امیدواریم که سیاست خارجی خود را غیر از آن سیاستی قرار بدهد که دولت های محافظه کار انگلستان قرار داده بودند زیرا بقول آقای آیدن وزیر خارجه انگلستان سیاست گذشته انگلستان در ایران باعث تفرس ایران نسبت با انگلستان شده است در ۱۹۰۶ دولت انگلستان برای چه من اینجا علت را ذکر نمیکنم. ولی بشروطه خواهان صدر مشروطیت از دولت انگلستان کمک خواستند حتی کار بجائی رسید که مشروطه خواهان صدر مشروطیت بسفارت انگلیس از دست دولت خودشان پناه بردند حتی کار بجائی رسید که آقای تقی زاده سفیر کبیر فعلی ایران در لندن برای فرار از دست مستبد ها عمامه اش را برداشت و شاپو گذاشت و رفت بسفارت انگلستان پناهنده شد و سفارت انگلستان از او حمایت و ضمانت کرد برای اینکه از ایران خارج بشود متأسفم سوابق را دارم میگویم، برای خاطر این من این مطالب را دارم میگویم تا در مقابل ملت ایران و در مقابل نمایندگان بیغرض مجلس معلوم شود که هر روابط و علاقه ای را نسبت بیک دولتی نمیشود اجنبی بر سنی نام گذاشت با مثال صورا سرافیل ها و ملک المتکلمین ها و بهبهانیها یعنی مرحوم پدر آقای بهبهانی نمیشود گفت برای اینکه از انگلستان برای استقرار رژیم مشروطیت در ایران کمک خواسته اند اجنبی برست هستند بنا بر این اگر عده ای، اگر نماینده ای در بین سیاست های خارجی مختلف صلاح ملت خودش را بداند که علناً از یک دوستی و سیاستی پشتیبانی کند آن را نمیشود اجنبی برست گفت (صحیح است) بی شرف است آن کسیکه با او بگوید مزدور است.

هاشمی - حدودی هم دارد.

دکتر کشاورز - حدودی هم دارد آقای هاشمی حدودش این است که دوستی نسبت بیک دولت خارجی باید در کادر منافع ملت ایران و تمامیت میهن ما محفوظ باشد یعنی این دوستی باید آنجائی باشد که ایران نال ایرانی باشد و تمامیتش محرز باشد و منافع ملت ایران محفوظ باشد (صحیح است) و برای این دوستی بنده اضافه میکنم که آن کسی که طرفدار این دوستی است بول نگیرد و مقام هم نگیرد (صحیح است - البته) اما روابط نیک ما با دولت انگلستان طول نکشید در ۱۹۰۶ همین انگلستان بشروطیت ایران کمک کرد ولی در ۱۹۰۷ با عهد نامه معروف ۱۹۰۷ همین ایران مشروطه را که خودش برای حفظ

هندوستانش علاقه بآن داشت علاوه بشروطینش داشت و میل داشت در مقابل روس های تزاری در ایران یک حکومت آزاد بر سر کار بیاید همین ایران را غنیمت کرد و با حریف کنار آمد و ملت ایران را فراموش کرد ، معاهده ۱۹۰۷ را هیچ ایرانی با شرفی قبول نکرد (صحيح است) مناسبات ما با دولت انگلستان ادامه پیدا کرد تا ۱۹۱۹ در ۱۹۱۹ موضوع قرارداد ونوق الدوله پیش آمد من خیال میکنم هیچ ایرانی با شرفی وجود نداشته باشد که از قرارداد سوم ۱۹۱۹ طرفداری کند و از آن دفاع کند قرارداد ۱۹۱۹ قراردادی بود که قشون ، فرهنگ ، مالیه ایران را در اختیار انگلستان میگذاشت کیست که بتواند ادعای علاقه باین آب و خاک داشته باشد و از این قرارداد ۱۹۱۹ که آقای سید ضیاء الدین مداحش بودند طرفداری کند ؟ ...

سید ضیاء الدین - من وقت میخواهم ، من حرف خواهم زد .

نایب رئیس - آقای دکتر پیرا توهین میکنید .

دکتر کشاورز - بنده توهین نکردم روزنامه رعد را از کتابخانه مجلس بخواهید

تا ثابت کنم که ایشان مداح قرارداد بودند .

نایب رئیس - اگر اعتراض دارید که بخودتان هم توهین نشود باید مضمون

بخواهید .

سید ضیاء الدین - من میخواهم حرف بزنم .

دکتر کشاورز - اجازه بدهید بنده عرضم را بکنم در ۱۹۱۹ این قرارداد با ایران

تعیین شد .

سید ضیاء - برای اینکه حکومت شوروی میل داشت از میان برود .

دکتر کشاورز - در ۱۹۱۹ بتدریج مملکت هسایه شمالی ما بناسبت انقلابا کثیر

سر و مدارهایی بلند شد که این سر و صدا ها را ملت ایران و آزاد بخوانان ایران از ش

پشتیبانی میکردند چرا ، برای خاطر اینکه رئیس این دولت اعلام میکرد که نسبت به ملل

کوچک ملل ضعیف هیچ نوع تعرضی نخواهد کرد ، چشمی بظلم ملل ضعیف ندارد این نهضت

بلبل کوچک برای آزادی و استقلال آنها کمک میکند و از تمام حقوق و امتیازاتی که در آن

موقع در ایران داشتند و از خود حق کاپیتولاسیون سرفضتر کردند البته ایرانی در این قضیه

که کمک میکرد باینکه قرارداد ۱۹۱۹ یا تصویب نشود یا اجرا نشود خوشحال بود در ش

نزدید نیست اما وقتی که دیده شد که قرارداد ۱۹۱۹ قابل اجرا نیست برای اینکه سیاست

بین المللی تغییر کرده است و برای اینکه آزاد بخوانان ایران در مقابل این قرارداد پافشاری

و معارفت میکنند راه حل دیگر - ری پیدا شد آن راه حل را تا وقایع شهریور اگر

کسانی می دانستند و مهذبا نمی توانستند علناً در ایران بگویند که این راه حل را هم دولت

امپراطوری انگلستان بوجود آورده است . این راه حل بوجود آوردن حکومت دیکتاتوری

رضا شاه بود ...

نایب رئیس - آقای دکتر کشاورز این صحبت ها خارج از موضوع است شما دارید

از موضوع خارج صحبت میکنید .

سید ضیاء - آقای رئیس بگذارید حرف بزنم حرف بزنم

دکتر کشاورز - اگر بنا باشد مرا هم بکشند من حرفم را میزنم و ملت ایران قضاوت

خواهد کرد .

نایب رئیس - راجع بوضع صحبت کنید .

دکتر کشاورز - راجع به موضوع است قشون متفقین در طرح اسمش هست من باید راجع به روابط ما با متفقین صحبت کنم .

امیر تیمور - بتیغه بنده شما بد اداره میکنید آقای ملک مدنی !
نایب رئیس - آقای دکتر بنده اختطاری می کنم شما حق این صحبت ها را ندارید، شما هر وقت حرف می زنید بساعت اغتشاش مجلس می شوند اینها چسا ندارد چرا می گوئید آقای سید ضیاء الدین طرفداری از قرارداد میکردند بخودشان بگویند خوششان میآید؟! ...

دکتر کشاورز - بمن بگوئید بنده آنوقت ۱۸ سالم بود چطور میتوانم طرفداری کنم یا مخالفت کنم .

نایب رئیس - بنده دیگر اجازه نمیدهم در این زمینه صحبت کنید .
دکتر کشاورز - ... بهر حال در وقایع شهریور در اخبار رادیوئی لندن و در تفسیر خبر های جهان که از طرف سفارت انگلستان در انگلستان منشر میشد ما همه ایرانیها خواندیم و دیدیم و شنیدیم که دولت انگلستان گفت که ما از رضاخان پشتیبانی کردیم و او را تقویت کردیم برای اینکه ...

نایب رئیس - مسائل سیاسی را چرا داخل موضوع میکنید؟!
دکتر کشاورز - اینجا مسائل سیاسی مطرح است این چه حرفی است شما می زنید؟! ...

نایب رئیس - شما با این حرف ها روابط ما را با خارجی ها دارید تیره میکنید !!
دکتر کشاورز - آقای دکتر مصدق شما يك روز پشت این تریبون آمدید يك نظری با اکثریت مخالفت کردید چرا حالا میگذاردید صدای يك نفر نماینده را خفه کنند ...

طباطبائی - آقای دکتر مصدق در مسائل عمومی با مردم ایران همراهند نه باشما!
دکتر کشاورز - آقای طباطبائی بجان شما بنده بیشتر از شما طرفدار ایران هستم بیاید من دست شما را بگیرم برویم توی طهران همین طهران تا به بینید عقاید عمومی ملت ایران نسبت بمن و شما چگونه است؛ بسیار خوب من راجع به روابط خودمان با اتحاد جماهیر شوروی عرضی نمیکنیم مردم روابط ما را با آنها تا قبل از شهریور همه می دانند؛ در ایران خوردن چای بزرگ گناه بود، در ایران دانستن زبان روسی گناه بود و اشخاصی اگر زبان روسی میدانستند حبس و تبعید و کشته میشدند (یکی از نمایندگان - حالا نیست) بسیار خوب بنظر شما حالا نیست .

نایب رئیس - شما مسائل داخلی خودتان را حرف بزنید مسائل خارجی را مورد بحث قرار ندهید .

دکتر کشاورز - آمدیم سر اصل مطلب پس این روابط ما با متفقینمان است یا این وضعی که شما عرض کردیم هر منصفی تصدیق می کند که در ایران طبقه حاکمه سیاست يك جابجایی را اتخاذ کرده و ادامه داده است، هر منصفی این را تصدیق میکند . آنوقت شما طرحی می آورید به مجلس که انتخابات تا یکماه بعد از بیرون رفتن قوای متفقین از ایران شروع نشود خوب؟! آیا این قوای متفقین بودند وقتی که وکلای مجلس چهاردهم انتخاب شدند یا نه؟ قطعاً بودند آیا این قوای متفقین که در اینجا بودند رأی بردند ریختند تسوی صندوق اعم از انگلیس و امریکا و شوروی؟ نه! قوای متفقین اگر در انتخابات ایران اعمال نفوذ کردند بدست ایرانی کردند، اگر قشونشان از اینجا برود آنوقت مزدورهایشان میکنند

مثل این که قبل از شهریور ۲۰ یعنی سابق هم میگردند، بعلاوه باتصویب این لایحه آقایان پایه انتخابات دوره چهاردهم را متزلزل میکنند قطعاً اگر شما این رأی را نسبت به انتخابات دوره ۱۵ بهجهد دال بر بطلان دوره چهارده است (بعضی از نمایندگان - ابتداً ابتداً) همیشه نمایندگان) و بنابراین هرکاری در دوره چهاردهم انجام گرفته است برای ایران و ملت ایران رسمیت ندارد (بعضی از نمایندگان - نیست این طور آقا) و بنسبست اینکه منشور ملل متفق هم در دوره ۱۴ بجلس آمد و تصویب شد بنابراین باتصویب این طرح بیان دائمی را که نسبت باین منشور شاداده اید سست میکنید (اینطور نیست)

اردلان - بنده اخطار نظامنامه دارم

بعضی از نمایندگان - چرا میگه اریه این حرف ها اریه تندی

نایب رئیس - آقا ماده ۱۲۷ را بخوانید

دکتر کشاورز - بخوانید

(ماده ۱۲۷ به شرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۲۷ هرگاه به ناطقی در یک جلسه دومرتبه اخطار شود مجلس میتواند در صورت تقاضای رئیس حق نطق را در آنجلسه از اوسلب نماید یعنی که در اینباب گرفته میشود پیام و قعود و بدون مذاکره خواهد بود

نایب رئیس - دومرتبه من به آقای دکتر اخطار کردم

دکتر کشاورز - بکمرتبه بمن اخطار کردید و ای بگیرید! رأی بگیرد، آقای

رئیس مجلس من در پشت این تریبون هرچه صلاح ملت میدانم باید بگویم عقیده من این است که می گویم و آقایان مخالفین من هم بیایند هرچه می خواهند بگویند - آقایان رأی بگیرد تا بیشتر مغضب بشوید

نایب رئیس - شما نمی توانید توهین کنید شما آقای سید ضیاء الدین توهین کردید

دکتر کشاورز - آقای ملک مدنی آنقدر دفاع از آقا سید ضیاء الدین نکنید

روزنامه های رعد امروز در مجلس است

یکی از نمایندگان - روزنامه رعد نه رعد امروز

دکتر کشاورز - رعد معذرت میخواهم حالا می خواهید رأی بگیرد بگیرد

بعضی از نمایندگان - آقای دکتر فرمایشات را فرمائید

نایب رئیس - اگر رأی نمی گیرید بنده از مجلس خارج می شوم

بعضی از نمایندگان - رأی، رأی

نایب رئیس - رأی می گیریم باینکه آقای دکتر کشاورز در این جلسه حق صحبت

ندارند آقایانیکه موافقت قیام کنند (جمعی برخاستند) (آقای هاشمی منشی شماره کردند اظهار داشتند ۴۸ نفر)

نایب رئیس - تصویب شد

دکتر کشاورز - بمن اجازه صحبت ندهید تا دنیا بداند حتی در مجلس شورای

ایران آزادی و دموکراسی وجود ندارد و در مجلس ایران آزادی و دموکراسی وجود ندارد و در مجلس ایران یک وکیل اقلیت اجازه صحبت داده نشود

سید ضیاء الدین - اخطار نظامنامه ای دارم خیلی کوتاه و خیلی مختصر

یکی از نمایندگان - شما توهین کرده اند فرمائید

نایب رئیس - بلی شما توهین کرده اند مطابق نظامنامه حق دارید صحبت کنید

دکتر کشاورز - هی طرفداری کنید آقای نایب رئیس همه میدانند؛

نایب رئیس - همه میدانند که بنده طرفداری از کسی نمیکنم.

دکتر کشاورز - اجازه بدهید روزنامه اش را از کتابخانه مجلس بیارند.

نایب رئیس - آقای آقا سید ضیاء الدین خواهش میکنم از موضوع خارج تشویب

سید ضیاء الدین - خیلی مختصر است اولاً بنده خیلی متأسف هستم که آقای

دکتر کشاورز نتوانسته فرمایشانشان را بفرماید (یکی از نمایندگان پس جرارای دادید؟)

بنده نشسته بودم (فداکار - آنها که رأی دادند عوض شما بود) ثانیاً یکسال و نیم است که در

این مجلس تصادف همکاری باجناب عالی را دارم (دکتر کشاورز - خیلی متأسف هستم) نه

بنده متأسف نیستم بنده مسرورم، احساس فرمودید که باعصابی شدن باهتاک می کردن، با

ناسزا گفتن يك هدف و يك مقصودی را نیشود پیش برد (دکتر کشاورز - بنده را همه

میدانند که عصبانی نیستم) الساعة بنده بجناب عالی ثابت میکنم که بنده از شما اگر هم عصبانی

هستم خیلی کمتر هستم (دکتر کشاورز از لکنت زبانتان معلوم است) از گفتار من، از قیافه

من چون شاید کمتر متفید شاید این تشخیص را بتوانید بدهید؛ هر ملت، هر مملکتی يك

مقتضیاتی دارد و هر زمینی آب و هوایش يك مویجانی را ایجاد میکند شاید در دنیا جاهانی

باشد که با جا و جبال، با ناسزا گوئی، باهتاک يك مقصودی را بتوان پیش برد ولی ایران

از آن سرزمین ها نیست (صحیح است) (دکتر کشاورز - اگر اینطور بود شما در مجلس

نمی آمدید)

نایب رئیس - آقا ساکت شوید آقای دکتر شما رعایت نظامنامه را نمیفرمائید.

سید ضیاء الدین - من باید بیایم بمجلس برای اینکه من وارث تمدن هزار و

سیصد ساله هستم، بله، آقا بله تعالیم اسلامی حقایقی را که بعضی از ایرانیها شاید از

آن جمله خود جناب عالی باشید متوجه نبوده اید که در تعالیم اسلامی بوده است لازم بود برای

من که بروم در جاهای دیگر بگردم و پیدا کنم (دکتر کشاورز - ۱۰۹) خلاصه بنده گمان

نمیکنم هیچ بنده نمیخواهم با آقای دکتر کشاورز یا رضای ایشان احتمال سوء نیتی بهم نه،

هر سنی يك مقتضیاتی دارد بنده هم وقتی بسن جناب عالی بودم یا کوچکتر بودم اگر شما يك

اتنه هستید من دو آتش بودم (دکتر کشاورز - در راه قرار داد) بنده میخواستم از آقای

دکتر کشاورز فقط يك خواهشی بکنم حرف منطقی، ذکر وقایع تاریخی، استدلال در يك

موضوعی محتاج بناسزا و هتاک نیست (دکتر کشاورز - ناسزا نکشتم حقایق را گفتم)

عصبانی شدن لازم نیست بنده گمان میکنم بیانات جناب عالی بیشتر بتواند در بنده و دیگران

تأثیر کند اگر نظریات خودتان را با متانت و بیشتر و با آرامی بیشتر ادا بفرمائید و اما

راجع بفرمایشاتی که بنده فرمودند و مجلس میل دارد این قضیه امروز حل شود بنده از

اکثریت و از مقام ریاست استدعا میکنم حق جواب بیانات آقا را برای بنده محفوظ بدارند

که در جلسه آینده خدمتشان عرض کنم.

دکتر کشاورز - اخطار نظامنامه ای دارم.

لنکرانی - پیشنهاد خروج از دستور کرده ام بنده قبل از همه پیشنهاد خروج از

دستور کرده ام.

نایب رئیس - بنده پیشنهاد ها را نمره گذاشته ام، آقای دکتر مصدق هم پیشنهادی

کرده اند بنده خودم پیشنهاد ها را نمره میگذارم که خلاف نشود آقای دکتر عبده (جمعی

از نمایندگان - مذاکرات کافی است).

دکتر عبده - بنده مطیع آقا، اگر آقایان اجازه می‌دهند صحبت میکنم. اگر اجازه نمی‌فرمایند بنده حاضرم که برگردم (جسی از نمایندگان - رأی رأی).

نایب رئیس - مجلس اول موافقت کرد که آقای دکتر کشاورز صحبت کنند نوبتشان هم بود صحبت هم کردند حالا نوبت آقای دکتر عبده است اگر موافقت دارید ایشان صحبتشان را بفرمایند (یکی از نمایندگان - رأی بگیرند).

دکتر عبده - بنده خلاصه میکنم آقایان زیاد وقتان را نمیگیرم قسمتی از اظهارات دوست عزیزم آقای دکتر کشاورز که از مدرسه باهم تماس داشتیم و من ایشان را مرد وطن - پرستی میدانم منتهی معتقدم که در خیلی از قسمتهای زندگیشان ممکن است اشتباه کرده باشند. قسمتی از اظهارات ایشان مربوط به سیاست خارجی ایران و روابط ایران با کشور - های خارجی بنده احساس نکردم که این مقدمه رابطه مستقیمی با مسئله مطروحه داشته باشد (دکتر کشاورز - مربوط به شون متفقین است) - حالا باینجهت بنده در این باب چیزی عرض نمیکنم فقط اشاره میکنم باین نکته که بهمان اندازه که هر ایرانی با شرفی از قرارداد ۱۹۱۹ منجز است بهمان اندازه هم از همه های شومی که ما در آذربایجان میثوم منفر است (صحیح است - احسن) میدانید برای چه؟ - در موقع انقلاب مشروطیت ایران آنروز آزادیخواهان ایران از سیاست انگلستان طرفداری میکردند؟ برای اینکه آنها طرفداریك سیاست آزادی بودند و میخواستند مشروطیت را در ایران منفر بکنند ولی ما هیچ ایرانی شرافتمندی با این سروصدهائی که میشود، با این اعمالی که منافات دارد با حاکمیت و استقلال اینملکت موافق نیستیم (صحیح است) ما میتوانیم در مقابل هر کشوری، هر دولتی، هر قدر مقتدر هم میخواهند باشد حق خود را صریحاً بخواهیم، بنده از آنهایی هستم که در این قسمت از دولت فعلی هم تندر هستم بنده معتقد هستم که ژاندارم ما وقتی آنها خواستند از انجام تیراندازی کنند (صحیح است) ایتر بدانید اگر شما اینجا نشسته اید برای اینکه دول معظم و دول بزرگ از شما طرفداری کنند این اشتباه است، اگر شما حق حاکمیت و استقلال خودتان را بخواهید (صحیح است) باید صدای خودمان را بدینا نشان بدهیم، برسانیم و افکار عمومی را برله خودمان تجهیز کنیم. موقعی رسیده که رو در بایستی فایده ندارد و پرده ها پار شده بنده راهم میدانند و زندگی کوتاه سیاسی هم شاهد است که نه از سیاست انگلستان طرفداری میکنم نه از سیاست شوروی و در پشت این تریبون در مواقع مختلف بر علیه هر دو سیاست صحبت های خودم را کرده ام منتهی بر حسب موقع و بر حسب مقتضیات اگر دیدم درینک موقع معینی فشار از یکطرف زیادتر است خوب طبیعی است که صدای ما بر علیه آن طرفی است که فشار بیشتر باو وارد میکند (صحیح است - احسن) اگر انگلستان هم اینکار را بکند اگر نظیر کنل فلیچر دوباره در کرمانشاه پیدا شود همان عرایض را میکنم و همان صدای در پشت تریبون تکرار میکنم (دکتر کشاورز - ایرانیهای بی شرف کار فلیچر را دارند میکنند) .. آن ها راهم باید محاکمه کرد، آن ها را هم باید مجازات کرد. عمده استدلال آقای دکتر کشاورز یعنی آن شاه دلیل ایشان بود که در دوره سیزدهم هم قوای اجانب در این ملکت بوده اند معذک انتخابات دوره چهاردهم .. (قبادیان - چون نام کلنل برده شد اجازه میخواهم پاسخ بدهم زیرا کرمانشاه چهار وکیل دارد) بنده راجع با انتخابات کرمانشاه نگفتم آقای قبادیان، صحبت بنده راجع بکار های دیگر کلنل فلیچر بود (خنده نمایندگان) آقا من راجع بان قضایائی که خود آقایان میدانند که برخلاف مصالح

ایران بود عرض میکنم باری شاهکار استدلال آقای دکتر این بود که در دوره سیزدهم هم قوای اجانب در این مملکت بودند معذرت انتخابات دوره چهاردهم شد (دکتر کشاورز - باقیش را نگذاشتید بگویم) «حالا عجله بنده این قسمت را جواب میدهم - عرض میکنم که این مطلب درست است و بجای خودش صحیح است که در دوره سیزدهم هم متأسفانه قوای اجانب در ایران بودند ولی يك فرق داشت و فرقی این بود که در آن موقع آنها بیشتر بخودشان مشغول بودند و مشغول کارهای مربوط بچنگ بودند امروزی کار جنگ تمام شد و رسیده اند بکارهای دیگران حتی بکار کسانی که تمام قوایشان را گذاشته برای کمک بآنها (صحیح است) تفاوت معامله اینجاست ، اینکه فرمودید خوب آن موقع بدست ابرانیها کردند بنده شاید منکر این معنی نباشم ولی خوب بعد هم ممکن است بدست ایرانی ها نکنند در حال این را شما برای خودتان محرز بدانید که وجود قوای خارجی در کشور بتدریج ایجاد نفوذ و ایجاد قدرتی میکند که شاید در دو سال پیش تر آن قدرت نبوده است امروز شما وقتی درمازندان ، در خراسان ، در تبریز و در آذربایجان که سر این کشور است همه ما از جان و دل بآنجا علاقمندیم (صحیح است) و قتیکه شما میروید می بینید آنطوریکه بنده شنیدم يك کماندانی در شهر تبریز است که مثل صاحب منصب مقتدر ایرانی در کلیه شئون مداخله میکند این مسلماً در دو سال پیش نبوده است بهر حال بنظر بنده ما باین طرح قانونی که میگذرانیم دو کار میکنیم اول اینکه بدین اعلام میکنیم که از اقامت بیرویه قوای اجانب در این کشور مانعاً هستیم (کف زدن نمایندگان) (بکنفر از نمایندگان - بزاریم) و يك نتیجه دیگر هم میگیریم بنده خیال میکنم که باین اختلافاتی که متأسفانه از چندین پیش در این کشور و در این مجلس پیش آمده انشاء الله خاتمه بدهیم (صحیح است) و در عین حال اساس حکومت ملی را سعی خواهیم کرد بهت مردان وطن پرست این کشور که مسلماً شما هم جزو آن هستید مستقر نماییم من روی سوابقی که با شما دارم میخواهم این را اذعان بکنم که بهت مردان وطن پرست این کشور انتخابات را در يك محیط آزادی انجام خواهیم داد. (دکتر کشاورز - بخدا نیگندار نداشتیم میکنید) مثلاً با همان نظری که آقای دشتی داشتند که يك کمیونی از اشخاص صالح تشکیل شود شما میدانید که من از آن اشخاصی نیستم که از انتخابات غیر آزاد استفاده بکنم شما این را آقای دکتر کشاورز دانسته باشید که صلاح کشور در این است که انتخابات بشام معنی آزاد باشد ممکن است همین نظر را تعقیب بکنیم - این طرح مظهر اراده ملت ایران است انعکاس اراده ملت ایران است . بنده این را بشما عرض میکنم چون ناس دارم با مردم ندیدم بکنفر را که باین فکر مخالفت داشته باشد (صحیح است) و بهترین دلیلش این است که آقای دکتر مصدق که خوشبختانه همیشه مظهر افکار عمومی ملت ایران بوده اند تصور میکنم ایشان هم با این فکر موافق باشند (دکتر کشاورز - ایشان اگر مظهر بودند اینجا را دزد گاه گفتند آقا) دو مرتبه حال اجازه بفرمائید آقای دکتر بنظر بنده (آصف - هر چه میخواهیم با هم همکاری بکنیم شما باز میخواهید دعوا را از سر بگیرید) اجازه بدهید بنظر بنده این اقدام یکی از اقداماتی است که ممکن است مملکت ما را نجات بدهد (صحیح است) هر چه زود تر باین طرح قانونی رأی بدهید و تخین داشته باشید که باین اقدام وظیفه همین دوستی خود را انجام داده و وطن پرستی خودتان را ثابت کرده اید (کف زدن نمایندگان) (بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است) .

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه موافقند قیام نمایند

(اکثر برخاسته تصویب شد).

پیشنهادی از طرف آقای لنگرانی شده است و اجماع بضرع از دستور این لایحه (نمایندگان - بخوائید) پیشنهاد بطریق زیر قرائت شد:

پیشنهاد میکنم که این لایحه از دستور خارج شود.

محمد طباطبائی - این قابل طرح نیست.

یکنفر از نمایندگان - مجلس رأی داده است پس فوریت

نایب رئیس - بفرمائید - آقای لنگرانی -

لنگرانی - بنده امروز بالمکس تصمیم گرفتم که هم خودم ملایمت و با خودم تحویل

بکنم و هم بی مهربانیهایی که خدای تعالی متوجه من بشود با صمیمیت استقبال بکنم اینکه موضوعی است که من شایسته میدانم در این باب معالجه و مذاکرات زیادی شده باشد گاهی قضایایی پیش می آید که مبداء تاثیرات خاصی است که از یک فرد و افراد معدودی شروع میشود و بعد توسعه پیدا میکند موضوعات زیاد است اگر از یک طرف حواس من پرت شد از طرف دیگر وارد میشود چه ضرر دارد که برادرانه راجع به مسکنمان گفتگو کردیم. باشیم من اولین مرتبه نیست که در مقابل ضرر عجله قرار گرفته ایم استدلال و عقیده من مرتبط بموضوع و موازینی خواهد بود که نسبت یکی از آنها همان که اول گفتم مایلم حتی توهمی نکرده باشم و اسم هم نیاورده باشم و در تاریخ ایران هم این حق را برای خودم محقق میکنم که حتی اسمی هم از آن بزبان نیاوردم؛ آقای ملک مدنی برای اینکه وظایف خود را متوجه باشم بنده دلایل خروج از دستور را می خواهم عرض کنم پس بنا بر این میبایستی من در اطراف قضایا معالجه بکنم قضایا و این مطالب را تشریح بکنم و دلایل خودم را عرض کرده باشم تک تک دنگری عرض میکنم خدمت آقا و آن این است که گاهی تعسفی میشود از اینکه تصویبات سیاسی در این مجلس شده باشد تصور میکنم این تعسفی در مجلس جانداشته باشد بلی زمان رضاخان

(حاذقی - رضا شاه بگوئید)

نایب رئیس - ساکت باشید آقای حاذقی

لنگرانی - ۰۰۰ بدلیل دار رفتن احمدی و در حبس بودن مختاری (یکنفر از

نمایندگان - از موضوع خارج نشوید)

نایب رئیس - راجع بدلیل خروج از دستور صحبت کنید.

لنگرانی - ۰۰ به از شرق تا غرب از شمال تا جنوب - از این جا از آنجا از بالا از

پائین از همه جای اینها جواب عرض میکنم ، راست راستی دارد یاد می رود

(خنده نمایندگان) حضور آقایان عرض کنم من خوشحالم در عین اینکه بسان سبک مخالف

بودم بزبان نیاوردم خارج از این مجلس یا خارج از این اطلاق اگر بپرستند ممکن است

بگویم ولی برای اینکه از باب افتخار خودم را هم بزبان هم نیاورده باشم آنجا میگویم

باز هم ما فراموش نکرده باشیم که در این قرارداد عنوان نشون متفقین قید شده این نفت

در آن تصریح شده جزو این قضیه است آنوقت هم مینویسند و هم میگویند حرف نزنیم این

تعجب آورده است آنرا حذفش بکنیم ما هم حرف نزنیم تصور نمیکنم مخالف من هم حاضر -

نباشد این موضوع را تصدیق نکند (یکنفر از نمایندگان - آقا مختصر بفرمائید) وقت بنده

زیاد خواهد بود (حاذقی - عده برای رأی کافی نیست بیرون نروید) میگوئید عده کافی

نیست برای رأی بلی آقا اینهم از آن صحبتها بود که فرمودید آقا بیایند حاضر عالی فرمودند

که عده برای رأی کافی نیست نروند برای این بلائیکه تهیه شده است .
نایب رئیس - آقا نضامنامه مجلس را هم رعایت فرمائید .

لنکرانی - .. خوب حالا يك چیز دیگری میگویم در اینکه يك ایرانی با شرف حتی حق ندارد مباحث کند باینکه ما بل هست قشون اجنبی در خانه اش باشد در این شکی نیست، امر عادی است غریزه بشری هر کس علاقه بخانه اش دارد هر کسی از هر مداخله ای متأثر است و هر کس مخالف است باینکه بیگانه در خانه اش باشد در اینکه ما شکی نداریم يك مطلبی که ممکن است در اینجا وسیله شده باشد که من مجبور باشم قبلاً در آن باب بحثی کرده باشم موضوع آذربایجان است، چون گفته شد و صحبت هم شد تصور میکنم که هیچ ایرانی نباشد که از موضوع آذربایجان متأثر نباشد در این شکی نیست (صحیح است) نمیتواند هم ایرانی باشد و هم از قضایای آذربایجان متأثر نباشد ولی ما نباید فراموش بکنیم و قبلاً نظرم را نسبت بآذربایجان گفتم فراموش نشده باشد ولی من فراموش نمیکنم که یکروز سعدی بزرگ سعدی بزرگوار . سعدی افتخار ایران و شرق و دنیا همان مردیکه بسچردیکه گفته توبه کرده و حتی مدتی هم تحت تأثیر آن اشتباهش بوده است و ما هم او را در عداد شتهیات میشناسیم همانجوریکه برای سایر بزرگان بشروادب و حکمای بزرگ خودمان سراغ داریم از این قبیل شتهیات را آنرا هم تحت همین عنوان قبول نمیتوانم آن شعر را (بعضی از نایبندگان - نخوانید) نغیر فراموش نکنیم که اگر قوای مدافع روحیه اش ملول نبود و علاقه بوطنش داشت یعنی حقوقش در وطنش محفوظ بود قشون کوچولوی بی قیمت مغول در مقابل این قدرت و عظمت این طور موقعت ها پیدا نمیکرد باز اجازه بدهید در این باب هم دلایل کافی عرض نکرده باشم آقایان همه اطلاعات کافی دارند در این باب بنده معتقدم که روی حریق نفت نباید باشید روی حریق آب باید ریخت .

یکتصر از نمایندگان - آب هم فایده ندارد .

لنکرانی - .. شن باید ریخت . خاک باید ریخت، عوض این اگر چنانچه ما در مقابل رژیم مشروطیت تسلیم میشدیم .

نایب رئیس - آقا از موضوع خارج نشوید .

لنکرانی - ... دلایل و علل خروج از دستور را دارم میگویم اگر چنانچه ما حاضر میشدیم که قانون اساسی را احترام بگذاریم . اگر ما تسلیم میشدیم باینکه رژیم ما رژیم مشروطه باشد تقاضاهای اضافه تر از آن از ما نمیشد ما چه میخواهیم بکنیم؟ آیا ما بایستی یکمرتبه دیگر برادو کشی را شروع بکنیم ...

نایب رئیس - آقای لنکرانی ماده ۶۳ را هم رعایت فرمائید پیشنهاد دهنده باید بطور اختصار حرف بزند .

(ماده ۶۳ بطریق زیر قرائت شد)

ماده ۶۳ - اصلاحاتی که در ضمن شورتانوی پیشنهاد میشود در صورتیکه از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال میکند و فقط اجزاء کمیسیون حق جواب دارند پس از آن مجلس در باب قبول توجه یا عدم قبول توجه رأی میدهد .

در صورت قبول توجه آن اصلاح یکمیسون فرستاده میشود . درباره اینقبیل اصلاحات بنیتان هم از روییکه پیشنهاد شده است رأی داد .

لنكرانى - اختصار برای بزرگ و كوچك مطلب است مطلب را هم باید ملاحظه فرمائید آقا مطلب خیلی بزرگ است.

نایب رئیس - مطلب مهم است ولی تا اندازه هم باید رعایت نظامنامه را فرمائید.

لنكرانى - ... بچشم اجمال مطلب این بود که ما بجای اینکه میدان باز کنیم برای سایرین که از احساسات ناراضیهای بری مقاصد خودشان استفاده کرده باشد بجای او باید بعدم رضایتها خاتمه داده باشیم آقایان فراموش نکنید آذربایجان گفته شد آذربایجانی که مشروطیت ایران قسمت مهمش در گرو فداکاریهای آنها بوده (صحیح است) آذربایجانی که ستارخان و باقرخان داشته میپرسم کجاست؟ چطور شده اینها از بین رفته اند ستارخان کجاست آذربایجانی که خیابانی داشته، میپرسم خیابانی کجاست؟

(بین اسفندیاری - خدا رحمتشان کند) آقایان يك سوآلی ازتان میکنم باین اندازه اگر امروز بیاید انصاف بدهید با بی غرضی و فردا را در نظر بگیرید ممکن است در مقابل مشکلات بزرگی قرار نگیرید شما بخدا اگر پیشه وری امروز بیش شما بود بیش از اینکه بیاید يك نطفی بکند و شاید اجازه بدهند یا ندهند تأثیر دیگری داشت؟ (قابت - آقای محمد طباطبائی نیکندارند) ولی اتفاقاً آقای طباطبائی نسبت بمن مهر و محبت زیاد دارند (اردلان - همه دارند) ایشان آمدند رو بروی من نشستند که بهتر بشنوند. تصور میکنم اگر چنانچه ما آنچه را که خرج فشك و گلوله و خرج گورو کفن ملت ایران میکنیم خرج غذا و لباس و دوا و معالجه اش بکنیم بهتر نیست؟ (بعضی از نمایندگان - چرا) (اردلان - آقا این چه مربوط به پیشنهاد است) من علش را دارم عرض میکنم برای این علت باید از دستور خارج شود.

فرخ - بچه دلیل؟ این دلیل نیست.

اردلان - آقایانها از موضوع خارج است.

لنكرانى - ... آقای فرخ اجازه بدهید دلیلی را دارم عرض میکنم.

نایب رئیس - ولی مختصر فرمائید.

لنكرانى - من بنظرم میآید در ۲۳ سال قبل تصادف من و آقای فرخ را زیر يك زنجیر بردتوی يك مجلس بلی من فراموش نمیکنم که حتی در آنجا هم آن موقع همین احساساتی را که امروز داشتند آنروز هم دارا بودند ولی روی اصول معنی بین من و ایشان اختلاف نظر بود و حتی يك برودتی هم بین ما موقه بود و بعد با هم خوب شدیم مثلاً عرض میکنم معمول دنیا اینطور است در تمام دنیا و قتیکه روابط يك دولتی با دولت دیگر فرض بکنیم بطور كاملاً مطلوب نیست و نمیخواهند هم پاره کرده باشند و كار را بچك منتهی کرده باشند كوشش میکنند حتی الامكان از اشخاصی که تصدی آنها سوه تفاهم بیشتری ایجاد نکند و بلکه بالعکس از رجال وطن پرستی که ممکن است مورد سوه ظن آنها نباشد بتصدی بدارند و فواصل را نزدیک کرده باشند و شكافها را پر کرده باشند، آیا با آذربایجان همین كار را کردیم؟!!

فیروز آبادی - ما همین كار را کردیم.

لنكرانى - من توی این مملکت دارم زندگی میکنم، ۹۵ سال است توی يك كوچه دارم زندگی میکنم من والله نه پول دارم که فرار کنم و نه زورم میرسد که زیر مشکلات بمانم حتی الامكان باید قضا یا با مسالمت بگذرد. این راهش نبوده. راهش این بوده که از

طریقی وارد شده باشیم که راه امید آذر بایجان را از خود قطع نکنیم (یک نفر از نمایندگان - اینطور نیست) (دکتر مجتهدی - آقای لنگرانی از اردیلب صحبت کنید.)
 نایب رئیس - خواهش میکنم آقای لنگرانی از موضوع خارج نشوید شما خودتان فرمودید که مختصر میفرمائید.

فرخ - خروج از دستور دیگر کافی است. قرار بود سه دقیقه بیشتر صحبت نکنید.

لنگرانی - .. (خطاب با آقای فرخ) آیا میخواهی بگویم؟ یادت هست که میگفتی ایران مجبور است تحت حمایت انگلستان زندگی بکند (فرخ - من گفتم؟ دروغ میگویی) یادت هست که منک را ول کردم برای تو و بهت نخورد یادت هست در مجلس بیست و سه سال قبل از اشخاصی که آنجا بودند بکیش هم برادر خیر الملک است (فرخ - دروغ میگویی).

اردلان - آقا ماده ۶۳ را بخوانید.

دکتر طاهری - این ماده ۶۳ برای چیست؟

لنگرانی - باقیش را هم بگویم.

یک نفر از نمایندگان - دیگر نگو.

جمال امامی - آخر چکار داری ب مردم صحبتت را بکن بی پایان!

لنگرانی - او چکار دارد، پرسید از او آیا این حرفه را زده است یا نه؟

نایب رئیس - آقای لنگرانی بیش از وقت خودتان استفاده کرده اید.

کام بخش - رأی بگیرید که ایشان باید صحبت کنند یا نه؟

لنگرانی - ... (خطاب بنایب رئیس) اگر امر بفرمائید اطاعت میکنم اگر میزان

است بنده میآیم عقربه ساعت را نگاه میکنم بیستم چند باید حرف بزنم.

نایب رئیس - آقا ماده ۶۳ سابقه هم دارد که پیشنهاد کننده باید در اظراف و طلبش بطور اختصار صحبت بکند شما الان نیم ساعت هم بیشتر است دارید صحبت میکنید.

لنگرانی - آقا مطلب مهم است.

شیخ الاسلامی - ماده ۶۳ را هم رعایت بکنید.

لنگرانی - ... اجازه بفرمائید من در ضمن مذاکرات احساس کردم یکی از

آقایان فرمودند که ممکن است برای جلوگیری از سوء جریان انتخاباتی يك عده از اشخاص صالح دعوت شوند یعنی از توی هیئت دولت از توی وزارت کشور آقایانی را دعوت میکنند.

یک نفر از نمایندگان - آقا این مطرح نیست.

لنگرانی - ... اگر این مطرح نبود چرا گفته من دارم میگویم آقا یعنی چه

نایب رئیس - آقای لنگرانی دلایل خروج از دستور را بگویند.

لنگرانی - ... آقا دارم دلیل میآورم او دلیل آورد و رود راه بنده دلیل میآورم

خروج را پس چه کنم آقا؟ (خنده نمایندگان) در این باب مذاکره شده است تا آنکه آن وسایل را برای انتخابات ایجاد کردند و گفتند رجال صالح آورده ایم همانها همان میرغضبها را دو مرتبه بعنوان طبیب بر میدارند می آورید میگویند آورده ایم اینها را برای اینکه مراقب باشند که انتخابات جریان بدی پیدا نکند.

محمد طباطبائی - آقا این کار را نخواهند کرد ..

جمال امامی - بالاخر مهم نشد

لنکرانی - ... علاوه بر این نکته دیگری میخواهم عرض بکنم بنده عرض کردم کسی حق ندارد مباحث بکند باینکه قشون اجنبی خارج نشود اصلا معنی ندارد . اصلا این غرزه حیوانی است . یک حیوان هم میل ندارد کسی توی لانه اش باشد . توی آشیانه اش باشد . هر حیوانی بآشیانه خودش علاقه دارد (صحیح است) در این شکی نیست ..

هاشمی - ولی انسان پست تر از حیوان هم هست .

لنکرانی - ... بله به هست در دوره رضاخان هم زیاد بود حالا هم هستند .

نایب رئیس - آقای لنکرانی .

لنکرانی - ... آقا چرا گفتند بمنشیان بگویند .

نایب رئیس - آقای لنکرانی استدعا میکنم بفرماید .

لنکرانی - ع . امر . امر . امری دهید بروم امر بکنید بروم . چطور در وسط حرف من حرف میزنید .

نایب رئیس - استدعا میکنم بفرماید .

لنکرانی - ... متشکرم از اینکه ارفاق فرمودید . اجازه دهید یکقدری دیگر هم عرض کنم .

یک نفر از نمایندگان - آقا اگر دو ساعت دیگر هم حرف بزنید ما خسته نمی شویم .

لنکرانی - بله قشون خارجی باید از ایران بروید ولی ستون پنجمش هم باید برود (صحیح است) ستون پنجم ، همانطوریکه قشون آلمان در اینجا نبود ولی میگفتند ستون پنجمش هست حالا هم اینها رفتند ولی ستون پنجمشان هست سه قرن است .

حاذقی - تا رفتند نابودشان می کنیم .

لنکرانی - ... به به . بزرگ الله . بشا تبریک میگویم . میترسم از خودشان شروع شود آقای حاذقی (خنده نمایندگان) .

نایب رئیس - آقای لنکرانی استدعا میکنم .

لنکرانی - ... نه . نه . اخطار کنید . بگویند امر میکنم .

نایب رئیس - آقا شما مورد احترام بنده هستید .

لنکرانی - آقا استدعای منم بگذارید یک خورده دیگر مطلب را بگویم و عرضم را عرض کنم آقایان آیا فردای امروز را هم ما باید بخوانیم یا خوانندگانی دیگران در سلکت ما بدست ما باید تهیه شود ؟

نایب رئیس - آقای لنکرانی اینها ربطی بخروج لایحه از دستور ندارد اسناد سیاسی چه ربطی بخروج از دستور ندارد . چه ربطی به لایحه انتخابات داخلی سلکت دارد .

لنکرانی - ... بنده خواهش می کنم از آقایان عرض اینکه این لایحه را بکنوانند دولتی روی کار بیاورند عوض این دولت که وقتی دیند اجنبی مداخله می کند انتخابات را فاقد شرایط صحت بدانند و بچریان نیندازد (صحیح است) خیلی سهل و خیلی طبیعی ، رضایت جزو شرایط صحت انتخابات است . بله برادریها الباطل خواستم کلمه حق بگویم دیدم نوجوزب است هم کلمه حق برادریها الباطل و هم کلمه باطل برادریها الباطل من برادریها الباطل را .

من گویم گاهی بعضی کلمات هست که تعبیرات مختلف ممکن است بشود مثلا ملاحظه فرمائید می آیند می چسبند موضوع امنیت را. کمی امنیت نمی خواهد؟ ولی ما میخواهیم ملازمه بدهیم بین ایجاد وسایل امنیت با ایجاد دیکتانوری، ما معتقدیم باین که وسایل تأمین خیلی باید زیاد باشد ولی در اختیار دولت و مجلس ولی تو گفتی که این با امنیت مخالف است از لغت امنیت امینتهای خاص دیکتانوری را در نظر می گیرند. امن باشد برای آتیهایی که معلوم است خدمت آقایان عرض کنم که امروز عجله در این کار نکنید و من را شما میداند چه میگویم شما همه تان بین خودتان مرا می شناسید و میدانید که من سرورس با انگلیس نیچنگم و سرانگلیس هم با روس نیچنگم.

نایب رئیس - آقای لنگرانی شما که يك مرد ملی هستید این صحبت ها مورد ندارد.

لنگرانی - ... آقا و هم خواست دفاع بکنند از فلچر.

نایب رئیس - آقایان نباید صحبت خارجی را در مجلس بکنند ما در مسائل داخلی داریم حرف میزنیم.

لنگرانی - ... يك ایرانی بزرگتر از این است، يك ایرانی شریف بزرگتر از این است که افکار طفیلی و تبعی داشته باشد ولی يك مطلب درین هست میگویم بیاید يك کاری بکنیم، بیایم اول حکومت ملیان را درست بکنیم با يك ماده واحده، ده تا، پانزده، بیست تا، سی تا، چهل تا، صد تا قوانین دوره رضا خانی را جمع بکنید با يك دانه از این دو فوریتها این قوانین را مردانه الغاء بکنیم آنوقت بیاید قواراد را اختیار دولت و مجلس بگذاریم بیاید کاری بکنیم که افکار عمومی مداخله بکند، بیاید سیاست را در دستهای صالح مرکزیت بدهید بیاید هزار گونه تشکیلات را که باسم دوایر سیاسی نیدایم، دفتر دوم، اداره اطلاعات، شعبه دلان که در وزارت کشور هست منحل بکنید، بیاید اول این مشکل را حل بکنید، میگوید چه میشود؟ بلی من اینها را قبول دارم و آنوقت اگر دولت صالحی آوردید دولت صالح اگر احساس کرد يك خارجی مداخله کرده است بلافاصله مافد شرایط میداند آن جریان را فوراً توقیفش میکنند. میشود که آی دولت مرکزی این انتخابات را مداخله درش می کنند چون مداخله میکنند، چون آزاد نیست من توقیفش کردم (اردلان - این قانون همین است) قانون هست پس امر معینی است آقا چون قانون هست

نایب رئیس - آقای لنگرانی -

لنگرانی - آقا امر کنید، اخطار کنید.

نایب رئیس - جناب عالی که فارسی و عربی هر دو خوب میدانید فرمائید و تشریف ببرید هر دو يك معنی دارد.

فرخ - آقایان تشریف ببرید جلسه از اکثریت میبندد.

لنگرانی - ... بسیار خوب میروم، یائین اشکالی ندارد اگر امر فرمائید میروم آقا توجه فرمائید شما آمدم گفتم بسا برین هم گفتم چند نوبت اجازه گرفته ام همین که احساس می شود يك دانه اجازه من آن جا است صد رنگ تندایر درست میشود برای اینکه بنده عرض نکنم.

نایب رئیس - آقا فرمائید به نشینید. در جلسه آینده بنده با آقا اجازه میدهم حرفی داشتید در مجلس فرمائید.

لنکرانی - آقا بنده راجع بخوریت دوم مگر اجازه نخواستہ بودم و بمن اجازه

ندادید ؟

نایب رئیس - مذاکرات کافی شده بود .

لنکرانی - ... آقایان اینجا وطن ما است ، بیاید به بچهاتان رحم کنید آقایان میآیند به بچهای ما، بخانواده ما (آنهایی که پول دارند پرواز میکنند میروند) ما بساید حواسمان جمع باشد، آنهاییکه مامانمان را قبلاتپیه کرده اند آنها بامید مامانمان نمیدانند ما گرفتار چی خواهیم شد، آقایان میخواهند ایران را طشتی از آتش بکنند و باین وسیله هم از ما انتقام بکشند و هم ما را بعنوان نمونه بدیغنی تعویبلسایرین بدهند که آنها را عبرت بدهند ، ایرانیها عبرت بگیرند .

نایب رئیس - آقای لنکرانی خواهش میکنم بفرمائید .

لنکرانی - ... خدا شاهد است تاخرفرمائید امر میکنم نیروم .

نایب رئیس - امر میکنم بفرمائید .

لنکرانی - بسیارخوب اطاعت میکنم .

بعضی از نمایندگان - کفایت مذاکرات .

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای لنکرانی راجع بخروج از دستواین لایحه آقایانیکه موافقتقیام کنند (عده کمی برخاستند) - تصویب نشد .

فرخ - اخطار نظامنامه ای دارم، آقا توهین کرده اند (همه نمایندگان)

یکشتر از نمایندگان - بفرمائید آقای فرخ استدعا میکنم .

نایب رئیس - پیشنهادات قرائت میشود، پیشنهاد آقای حکمت قرائت میشود .

> ... پیشنهاد میکنم بعضی اینکه تمام خاک ایران بر طبق پیمان سه گانه از نیروی قوای

متفقین تخلیه شد «بلافاصله» فرمان انتخابات صادر و انتخابات دوره پانزدهم شروع گردد.»

فرخ - توضیح نمیخواهد .

نایب رئیس - آقای حکمت .

حکمت - این واضح است چون يك ماه مهلت گذاشته اند موضوعی ندارد این

يك ماه بعضی اینکه تخلیه کردند خاک ایران را فرمان انتخابات صادر میشود .

نایب رئیس - رأی میگیریم که این پیشنهاد تصویب ماده بشود (اکثریت برخاستند)

تصویب شد . پیشنهاد دوم قرائت میشود :

هاشمی - پیشنهاد ما بعضی بدست آقای رئیس رسیده و بعضی بدست بنده .

بعضی از نمایندگان - پیشنهاداتی که بدست آقای رئیس رسیده مقدم است .

شریعت زاده - دیگر موضوع ندارد آقای حکمت ماده را اصلاح کردند

بجای ماده پیشنهادی و مجلس الان رأی داده و تصویب شده دیگر موضوع ندارد (صحیح است) .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مصدق قرائت میشود .

بجای ماده پیشنهادی ماده ذیل را پیشنهاد میکنم .

ماده واحده - برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات در صدور فرمان

انتخابات سه ماه تأخیر بشود .

بعضی از نمایندگان - ماده تصویب شد .

دکتر مصدق - من تصور می‌کنم که هیچکس در این مجلس موافق نباشد که تا نشون خارجی در این مملکت هست انتخابات بشود (دکتر کشاورز - با شرایطی) همه در این اصل موافق هستند منتها طرز عمل به نظر بنده با این طرح پیشنهادی فرق می‌کند پیشنهاد بنده يك طوری است که نمایندگان مؤثر اکثریت هم در جلسه ای که چهارشنبه قبل تشکیل شده بود موافقت کرده بودند و چهارشنبه قبل جلسه ای از نمایندگان اکثریت و نمایندگان اقلیت تشکیل شد و در آنجا مذاکره شد در آن جلسه به پیشنهاد خود نمایندگان اکثریت فرار شد که لایحه بصورت طرح قانونی به مجلس بیاید که دستورفرمان انتخابات برای تجدید نظر در قانون انتخابات دوماه تأخیر شود و تقریباً بین اکثریت و اقلیت هر دو در خارج موافقت شد صبح که مجلس آمدیم آقای نبوی که یکی از نمایندگان اکثریت بودند آمدند آن طرح را تهیه فرمودند و بین ارائه دادند و فرمودند که عقیده ما این است که عوض دوماه سه ماه بشود من عرض کردم همان دوماه کفایت میکند و حالا با نظر نمایندگان اکثریت موافقت می‌کنم طبق نظر آقایان اکثریت مدت دوماه را سه ماه پیشنهاد کردم - يك وقتی بنده در مدارس قدیم درس می‌خواندم در جامع القدمات گمان می‌کنم بصدمیه که رسیدیم آنجا باین عبارت «الاناس مجزیون باعمالهم» ان خیراً فحیراً ان شرأ فشرأ این را چهاروجه می‌خواندند :

«ان خیراً فحیراً» وان شرأ فشرأ . ان خیراً فحیراً» وان شرأ فشرأ» حالاً من تصور میکنم که مجلس ماهم بر چهاروجه باشد، مجلسی که نمایندگان آن متضام باشند این وجه اول، مجلسی که نمایندگان آن متضام باشند این وجه دوم، مجلسی که نمایندگان آن متضام باشند این وجه سوم، مجلسی که نمایندگان آن به هیچ کس غیر از ملت ایران تضامی نداشته باشد این وجه چهارم (صحیح است) من عقیده ام این است که ما مجلسی از این وجه چهارم باید داشته باشیم و برای این که ما مجلسی از وجه چهارم داشته باشیم شرایطی لازم است - ما نمیتوانیم بگوییم با این قانون انتخاباتی که سابق بوده يك همچو مجلسی داشته باشیم (صحیح است) هیچ کس نمی‌تواند همچو ادعایی بکند، هیچکس نمی‌تواند بگوید که ما با يك دولتی که بشام منی «ملی» نباشد ما میتوانیم يك همچو مجلسی داشته باشیم - پس بنظر بنده ، اول لازم است که قانون انتخابات را اصلاح کنیم یعنی اشخاص باسواد رأی بدهند (مهندس فریوردر شهرضا) حالا اگر آقایان ملاک یا آقایان کلیتاً مایل نیستند و نمی‌خواهند که در بلوکات قطع اشخاص باسواد رأی بدهند در بلوکات را ممکن است که صرف نظر بکنیم ولی حوزه بلوکات را از شهرها جدا می‌کنیم در شهرها اشخاص باسواد رأی بدهند و بعد هم انتخابات در يك روز تمام بشود که بالاخره از دستبرد خود اشخاص حصون بیاتند - اینها بعضی از اصلاحات اساسی است که بایستی در قانون انتخابات بشود و من تصور می‌کنم بهترین موقع این موقع است که ما باید استفاده بکنیم ، اگر نشون خارجی از این مملکت رفت من یقین دارم که این نمایندگان امروز یا يك نمایندگان که مثل امروز در این مجلس باشند و با این قانون انتخاب بشوند هرگز راضی نمی‌شوند قانون انتخابات ما

اصلاح بشود (دکتر طاهری - چرا ؟) برای این که نشان اقتضای نی کند (اردلان - همه اینطور نیستند) زیرا ما میدانیم امروز نمایندگان مجلس از نظر این که يك مانع بزرگی در مقابل هست که احساسات آنها را تحریک می کند ما می توانیم امیدوار باشیم که قانون انتخابات را در این مجلس تجدید نظر بکنیم ولی اگر این مجلس تمام شده این مجلس باخر رسیده ، این موانع مرتفع شده بقیه داریم هر نماینده ای بعد از این با همین قانون انتخابات مجلس باید بماند آن مجلس خواهد شد آنوقت باعث این میشود که مجلسی خواهیم داشت که جامع شرایط مجلس ملی هست و هم باعث خواهد شد که در قانون انتخابات تجدید نظر خواهد شد (دکتر کشاورز - این مجلس هم اصلاح نخواهد کرد، خواهید دید) (جمال امامی - تازه نکند) باین جهت بنده پیشنهاد کردم که سه ماه، آن نظری که من دارم بانظر آقایان فرق نیکنند آقایان چه میخواهند ، آقایان میخواهند تساقشون خارجی در ایران هست انتخابات شروع نشود ماهم همین را میخواهیم، چیز دیگری نمیخواهیم و این يك چیزی است که حقیقتاً در بادی امر همان نایبگان اکثریت هم یا بنده مواظت کردند چون این يك چیزی بود که مثل بدیهیات اولیه بود این يك چیزی نبود که با هم مخالفت بکنیم بعد با هم بسازیم در اول امر نظرمان این است که تا وقتی قشون خارجی در اینجا هست انتخابات مجلس شورای ملی انجام نشود هیچ اشکالی ندارد آنوقت ما می گوئیم که عجبالتاً سه ماه مهلت بدهیم این دولت مقدمات انتخابات را حاضر بکنند در قانون انتخابات تجدید نظر بکنیم (جمال امامی - چرا عوض بکنید؟) بعد از اینکه تجدید نظر کردیم بعد از سه ماه اگر دیدیم همچنان مشکلاتی که امروز هست در مملکت بازم هست، آنوقت ما هم حاضر می شویم مانی ندارد احساسات ما فرقی نمی کند ، ماکاری که برخلاف مصالح مملکت باشد نمی کنیم ولی امروز هیچ چیز ايجاب نمی کند که ما بیائیم این کار را بکنیم چون من خودم هم از آن آدم هائی - تم که اگر صلاح مملکت اقتضا بکند ملاحظه از قانون نمی کنم (صحيح است) چرا ؟ برای اینکه من قانون را برای مملکت میخواهم نه مملکت را برای قانون و امروز ما نمیتوانیم قانونی برخلاف قانون اساسی وضع کنیم زیرا اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست و این ماده ای که ما پیشنهاد کردیم معدود نیست میگوید تا زمانی که قشون خارجی از این مملکت نرفته باشد انتخاب عقب یفتد و این تعطیل مشروطیت است بنده امروز این کار را نمی کنم من می گویم سه ماه در این قضیه صبر کنیم این صلاح مملکت است اول باید صلاح مملکت را در نظر بگیریم و مردم در این دوره انتظار دارند ما برای مملکت يك کاری بکنیم، انتظار دارند از این پیش آمدی که شده است استفاده بکنیم نه - این که این موقع را از دست بدهیم و باز خودمان را گرفتار مجلس هائی بکنیم که هیچ صلاح مملکت کار نمی کنند . من من باب مثال عرض می کنم می دانید که من وقتی پای مصالح مملکت بیان یابد بخدا قسم از هیچکس ملاحظه نمی کنم در بکی دو سه قبل از این در يك جلسه با آقایان بیبهانی بودیم فرمودند که «من را در این دوره دیکناتوری که مجلس آوردند بر این بود که خواستند رنگ ملیت به مجلس بدهند خواستند در واقع مجلس را تبدیل کرده باشند» بنده خودشان فرمودند که «از آن موقعی که در مجلس تشریف داشتند بیچیک از لواجعی که در این مجلس آمده رأی ندادند» (بیبهانی - آقایان شاهدید ؟)

(روحی - بله من شاهدیم) بله فرمودند: «من رأی ندادم» (۱) تعجب کردم ولی بعد خواستم به بینم که آقای بهبهانی بلا یحه تمذیه نفت رأی دادند یا ندادند رفتیم در کتابخانه روزنامه ها را دیدیم معلوم شد رأی داده اند، حالا عرض می کنم که ملت ایران طالب مجلسی است که مصالح مملکت را در نظر بگیرد، طالب مجلسی است که بهیچ امتیاز نفتی رأی ندهد بنده عقیده ام این است که باید این مجلس امروز فداکاری کند و این موقع را از دست ندهد و این ماده تأخیر سه ماه را تصویب بکند بعد از اینکه سه ماه مقتضی شد اگر باز قشون اجنبی در ایران بود خدا میداند بکنند در این مجلس نیست رأی بدهد که با وجود قشون اجنبی انتخابات انجام بشود.

پیشنهادات نمایندگان

برای جلوگیری از فترت

در جلسه ۱۹ مهر ماه عده دیگری از آقایان نمایندگان از نظر تأمین آزادی

انتخابات و جلوگیری از مفاسد دوره فترت پیشنهاداتی داده بودند:



آقای آصف پیشنهاد کرده بود: «مجلس شورای ملی ۱۲ فقره از نمایندگان فعلی را انتخاب نماید که در هنگام شروع انتخابات که پس از یکماه از خروج ارتش های بیگانه صورت خواهد گرفت برای سرعت و صحت عمل انتخابات نظارت کامل نمایند» این پیشنهاد بلا تکلیف ماند

۱ - در جلسه ۲۴ مهر ۱۳۲۴ آقای بهبهانی در ضمن نطق خود به بیانات دکتر مصدق جوابی داده اند که از مذاکرات مجلس شماره ۱۹۸ صفحه ۶۶۴ ستون اول در اینجا نقل میشود:

«آقای دکتر مصدق فرمودند که بنده بهیچ یکه از لوائح رأی ندادم این حرف من نبود و اگر بنده هم رأی داده باشم در امر نفت کار گناهی نکردم شاید موافق یا نظر خودم آن کار آن روز صلاح بوده است (دکتر مصدق - بلی) شما نمیتوانید بمن بگویید که ما و کیلی میخواهیم که نفت بهیچوجه رأی ندهد باشد شما یک معیوبیت مخصوصی البته در عامه دارید که در مجلس یابید و مصالح مملکت را در مجلس طوری که صلاح مملکت است بگویید که رویش عمل نکنند و چهار نفر هم که واقفا در مجلس اگر بیفرض هستند با شما موافقت میکنند و بیشترت یک کاری را میکنند (صحیح است) شما بگویید که ما و کیلی را میخواهیم... آقا ما هم و کیلی که صرفاً مخالف قانون اساسی رفتار کرده باشد میخواهیم ماده ۶ است، مضمّن قانون اساسی است که میگوید امور مشروطیت کلاً و جزاً تعطیل بردار نیست (مهندس فریور - تعطیل بردار نیست) ما چنین و کیلی که اصول مشروطیت را جزاً تعطیل کند میخواهیم (دکتر مصدق - شما موکل من نیستید) شما مگر موکل بنده هستید؟ (دکتر مصدق - بلی) (خنده نمایندگان) (جال امامی - هر دو اشتباه کردید) آقای دکتر مصدق دو یک مدت مدیدی مخالفت با اصولی کردید که آن اصول مسلم تمام دنیا است بلکه طبیعی مردم بشر است که بتوانند چهار غریبکجا جمع بشوند و بگویند اکثریت باید تابع اقلیت باشد ۱۱

آقای مهندس فریور: «هیئت مرکب از ۳۲ نفر که بیست نفر آنرا از تهران و ۱۲ نفر از شهرستانها انتخاب کنند که در تمام کارهای دولت نظارت نماید مخصوصاً برای انتخابات که بعهد این هیئت باشد». این پیشنهاد نیز تصویب نشد.

آقای دکتر معظمی تبصره ذیل را بماده واحده پیشنهاد کرده بود: «تبصره - در صورتیکه در نتیجه اجرای ماده واحده فترتی پیش آمد نمایند دولت مکلف است پنج نفر آقایان ذیل:

حکیم الملک - دکتر مصدق - بهاء الملک - رئیس دیوان کشور - رئیس مجلس و موتمن الملک را برای شرکت در کارهای دولتی و نظارت در انتخابات دوره پانزدهم بعنوان شورای دولتی دعوت و نظریات آنها را در امر انتخابات و کارهای دولتی رعایت بکند» که این پیشنهاد هم در جلسه ۱۹ مهر ماه بلا تکلیف ماند و بعد برای اینکه غائله را کوتاه کنند در صورت مجلس آن جلسه که در جلسه ۲۲ مهر قرائت شد اینطور نوشتند: «آقای دکتر معظمی پیشنهاد خود را پس گرفتند بشرطی که اکثریت بطریق دیگری که لازم باشد بایشان موافقت کند (نقل از مذاکرات مجلس شماره ۱۹۶ صفحه ۶۵۴)

مذاکرات و اخطار نظامنامه راجع اجرای تصویب

و طرح مربوط بتأخیر انتخابات (۱)

مهندس فریور - اجازه داده اید با آقای دکتر مصدق، این برخلاف نظامنامه است. نایب رئیس - آقایان در وظایف من نباید دخالت کنید آنوقت میفرمائید که خوب اداره نمی کند مجلس را؛ اگر مرا نشانده اید اینجا کار مجلس را اداره کنم دیگر نباید که در کار من دخالت کنید، میفرمائید که بنشینند یا شوند این کارها مربوط بشما نیست مربوط بمن است اگر هم میل ندارید بنده از جلسه دیگری نمی آیم این جا - خودتان در کار مجلس دخالت میکنید بعد میگوئید چرا مجلس بی نظم است؛ باعث این بی نظمی ها خودتان هستید؛ اگر آقای وزیر خارجه اجازه می خواهند من باید بدهم میفرمائید آقای دکتر مصدق باید بیایند صحبت بکنند و شما بایشان میگوئید بفرمائید آقایان خودشان باید يك قدری رعایت بکنند و آنوقت اگر بنده تخلف کردم بنده تذکر بدهند (صحیح است) آقای دکتر مصدق بفرمائید:

دکتر مصدق - بنده کاملاً حق را با آقای رئیس میدهم و آقایان وزراء هم از نظامنامه اطلاع تدارند و بدون اجازه بنده می شوند صحبت می کنند، اخطار بنده اولش ماده ۱۰۸ - است که مینویسد: «در مباحثات ناطقین باید متساویاً بترتیب مخالفین موافق نطق نمایند» در

بازر و وزراء یا معاونین آنها و یا متخبرین کیسیبویها که مأمور نایب و دفاع لوابی یا طرح قانونی هستند لازم به ثبت اسم نیست و هر وقتی که اجازه نطق بخواهند بآنها داده می شود. وزراء بی خود نمیتوانند صحبت کنند» (وزیر امور خارجه - بنده اجازه داشتم) و بنده ماده ۷۹ راجع باخطار. خطار را مقدم میدارد و در مورد خطار اگر کسی بخواهد در وسط نطق کسی حرف بزند حق ندارد ولی اگر ناطق حرفش تمام شد خطار کنند حق نطق دارد؛ اما راجع برض بنده که اصل مطلب بود بنده هیچ کاری ندارم باین که ماده واحده ای که در جلسه گذشته تصویب شد از طرف یکی از آقایان نمایندگان اقلیت پیشنهاد شد ولی نمایندگان اقلیت بهیچوجه از این ماده اطلاع نداشتیم و بکمر تبه غفله در مجلس پیشنهاد شد و رأی هم داده شد بنده خودم در لایحه ای که اینجا مطرح شد از نظر فوریتی که داشت به فوریتش رأی دادم ولی من باده رأی ندادم زیرا من با ماده مخالف بودم و اگر آقای پیشنهاد کننده يك مشورتی با ما میکرد شاید يك راه حلی پیدا می کردیم که بهتر از این میشد و بنده این ماده را پیشنهاد کردم برای این که يك کار خلاف قانونی نشود اصل مسئله این بود که انتخابات در يك وقتی که ممکن است جریان صحیح و خوب پیدا نکند اجرا نشود و کاملاً رعایت مقررات قانون بشود ولی اگر خود مجلس در تصویب این ماده رعایت قانون را نکند چه انتظار دارد که قانونش در اقصی بلاد این سلطنت اجرا شود !! این عقیده بنده است اگر يك عده از نمایندگان که مطالبی دارند صحبت نکنند یا خواهند گفت که چیز نفهمیدند یا خواهند گفت که ترسیدند و بحدی که در من این دو صفت نیست که تا اندازه میفهم و ترس و باکی هم از کسی نداشته و ندارم - عقیده بنده این است که این لایحه جریان قانونی خودش را طی نکرده است زیرا مطابق ماده ۵۸ نظامنامه باید در پیشنهادات مذاکره شود و بعد از تعیین تکلیف پیشنهادات باده رأی گرفته شود. ماده ۵۸ را بنده میخوانم. ماده ۵۸ وقتی که مباحثات لایحه بطور کلی ختم شد باید مواد آن لایحه يك يك مباحثه شود رئیس در این خصوص از مجلس رأی میخواهد اگر در باب مباحثات ماده به ماده رأی داده نشد رئیس در لایحه را اعلام می کند و اگر مباحثات ماده باده قبول شد شروع بمباحثات شده در باب هر يك از مواد و اصلاحات راجعه مذاکرات بعمل می آید پس از آن در خصوص شور ثانوی مجلس رأی مینهد. در شور ثانوی در خصوص هر يك از مواد لایحه و اصلاحات راجعه رأی گرفته میشود بعد از این ترتیب يك رأی قطعی در کلیه لایحه داده میشود» این قسمت راجع بموارد دوشوری است ماده ۸۰ هم راجع بفوریت دارد.

محمد طباطبائی - این مربوط به لوابی عادی است نه لایحه فوری.

دکتر مصدق - عرض کنم يك ماده واحده ایست به مجلس پیشنهاد شده است این ماده مباحثات هم دارد مباحثاتش چیست؟ اصلاحات و تبصره هایی که پیشنهاد میشود همه مربوط باین ماده است اینها جزء لاینفک این ماده است اگر تبصره هایی پیشنهاد شده تبصره که استقلال ندارد مستعمل نیست تبصره مربوط باین لایحه و جزء این لایحه است پس بنابراین ماده واحده که در دفعه اول تصویب شده بعد از آن باید تبصره ها يك يك خوانده شود. پیشنهادات خواننده شود و مذاکره شود و بعد رأی گرفته شود اگر تصویب شد که جزء قانون میشود و اگر تصویب نشد که رد شده است و روی برگشته این ماده که تصویب شده باید اصلاحاتی که درش پیشنهاد شده و تبصره هایی که پیشنهاد شده است مطرح شود و رأی گرفته شود این عقیده بنده است حالا اگر آقایان میخواهند رعایت نظامنامه را بکنند نکنند تکلیف بنده این است که کار برخلاف

نظامنامه شده تذکر بدهم.

نایب رئیس - ماده نظامنامه ای را که آقای دکتر مصدق تذکر دادند مربوط به لوایح عادی است (دکتر مصدق - ماده ۸۰ هم راجع به فوریت است همینطور است) و مربوط به بلوایحی است که فوریتش تصویب نشده باشد و موادمم داشته باشد ولی این طرح با فوریت پیشنهاد شده بود و به دو فوریت هم رأی گرفته شد و تصویب شد و ماده واحده هم بود و عملی که شد مطابق آئین نامه بود معذرت برای خاطر اینکه جنابعالی احتیاط میفرمائید در قوانین (که خیلی هم خوب است) این نظریه را الان دو مرتبه رأی بگیریم (جمعاً از نمایندگان نمیشود رأی گرفته شده است) اجازه بدهید ماده واحده را بطور تجزیه رأی بگیریم و مواد بعد را بعد مطرح کنیم (جمعاً از نمایندگان - خیر لازم نیست)

دکتر کشاورز - بنده اخطار نظامنامه ای دارم برای اینکه عملی که در جلسه قبل شد عمل نظامنامه نبود (عده از نمایندگان - بوده است)

نایب رئیس - در جلسه گذشت موقع رأی گرفتن بنده تذکر دارم که این ماده پیشنهادی آقای حکمت بجای طرح پیشنهادی آقایان تلقی میشود و رأی میگیریم این را تذکر دارم و رأی گرفتیم بجای آن و مجلس هم تصویب کرد و کار خاتمه پیدا کرد الان هم مجلس حاضر و آماده است و هیچ اشکالی ندارد که نظر مجلس خواسته شود.

دکتر مصدق - این ماده نظامنامه که بنده خواندم این اجازه را نمیدهد ماده ۸ هم راجع به فوریت است اجازه میدید بخوانم.

دکتر کشاورز - بنده اخطار نظامنامه دارم بخود شما اخطار دارم.

نایب رئیس - بفرمائید. اما بانزاکت بفرمائید.

دکتر کشاورز - آقای ملک مدنی من بانزاکت صحبت می‌کنم؛ الان هم مطابق ماده ۱۰۹ بخود شما اخطار دارم بمن توهین می‌کنید و قبل از این که حرف بزنم می‌گویید بانزاکت حرف بزن، من بی نزاکت حرف می‌زنم؛ سوابق من که یک نفر استاد دانشگاه هستم از جنابعالی که سواد ندارید و هیچ تحصیلات ندارید حق ندارید در مقابل من که یک استاد دانشگاه هستم بگویید که بانزاکت حرف بزن (ژنک رئیس)

نایب رئیس - شما چرا اینطور حرف می‌زنید و توهین می‌کنید؟

دکتر کشاورز - شما چرا بمن توهین می‌کنید و می‌گویید که بی نزاکت صحبت می‌کنم.

نایب رئیس - شاهد عملیات شما جلسات گذشته شما است حکایت شما آن حکایت سعدی است که می‌گوید وقتی که علم دست یک اشخاصی می‌افتد سوء استفاده می‌کنند. من شما تذکر دارم که بانزاکت صحبت کنید.

دکتر کشاورز - جنابعالی بیک نفر نماینده توهین می‌کنید؛ از مقام ریاست سوء استفاده می‌کنید آنجا مقام مقدسی است. ماده ۱۴ نظامنامه می‌گوید رئیس از طرف مجلس حافظ و مجری قواعد و نظم مجلس است. (صحیح است) جنابعالی که آنجا نشسته اید بموجب این ماده حق ندارید قبل از اینکه یک نماینده حرف بزند با توهین کنید (نایب رئیس - اختطاری شد که برای جلوگیری از همین حرفها بود) شما یا این ترتیب نظم مجلس را بهم می‌زنید یک نفر نماینده که با می‌شود حرف بزند بگذارید حرفش را بزنند آنوقت اگر بر خلاف نزاکت صحبت کرد بگویید برخلاف نزاکت صحبت نکن (نایب رئیس - آنوقت منجر به مطالب جلسه قبل میشود) این یکی یکی دیگر هم منظور از این ماده این است که شما که

۱۰۴
 برای جاوید میری از حضرت
 در آنجا نشسته اید بی طرفانه بنشینید و بیطرفانه قضاوت کنید شما الان اظهار نظر کردید و گفتید که پیشنهاد آقای حکمت بجای طرح پیشنهادی آقایان اکثریت قبول شد و تصویب شد (جمعی از نمایندگان - همینطور هم بوده است و صحیح هم بوده است) اجازه بفرمائید، این فرمایش آقای ملک مدنی است. اما مطابق نظامنامه وقتی که يك طرحی بپسند آمد یا خود آن طرح تصویب میشود یا با اصلاحاتی آن طرح تصویب میشود یا اینکه يك ماده دیگری را بجای آن طرح مجلس شورای ملی می پذیرد و تصویب می کند. پس بهرحال اگر پیشنهاد آقای حکمت هم بقیده شما بجای طرح پیشنهادی اکثریت قبول شد (عده از نمایندگان - مجلس تصویب کرده است و تمام شده است) چرا داد می زید ما من داریم حرف میزنم (کامبخش - شما اگر داخل آدم تباخید ما داخل آدم هستیم آقای سندی) (تایید رئیس - آقای کامبخش صحبت فرمائید) آقایان شما هشتاد نفر هستید من يك نفر هستم اجازه بفرمائید بنده عرضم را بکنم. اگر پیشنهاد آقای حکمت بجای آن ماده مطروحه قبول شده باشد آن ماده مطروحه میروند کنار و این ماده جای آنرا میگیرد و پیشنهاداتی هم که نسبت باین طرح داده شده است نسبت باین ماده میشود که جای او را گرفته است. بنابراین شما باید تمام این پیشنهادات را مطرح کنید و ببینید کدام طرح توجه میشود اگر هیچکدام قابل توجه نشد که به ماده رأی بگیرید اگر پیشنهادی طرف توجه شد آن ماده را با پیشنهادی که طرف توجه شده است يك جای رأی بگیرید ولی شما این کار را نکردید شما اگر بی طرف بودید باید تمام پیشنهادات را مطرح کرده باشید بعد ماده رأی بگیرید شما از مقامتان سوء استفاده کرده اید و آقایان هم هشتاد نفر این جا نشسته اند و طرفدار شماستند !!

نایب رئیس - بنده هیچوقت سوء استفاده نمی کنم از موقعیت خودم همه آقایان میداند شما از موقعیت خودتان آقای دکتر سوء استفاده می کنید این را بدانید من هیچوقت نه در دوره و کالم نه در دوره نایب رئیس هیچوقت سوء استفاده نکرده ام و همیشه هم با نزاکت صحبت کرده ام، من برای اینکه جریان جلسه پیش تکرار نشود تذکر دادم که رعایت نزاکت را بفرمائید رعایت نزاکت کردن توهین نیست و شما در این تذکر اشتباه کردید.

دکتر کشاورز - این را بکسی دیگر بگوئید که بی نزاکت باشد بنده خیلی با نزاکتم.

فیروز آبادی - مجلس همه وقتش صرف گفتگوهای شخصی میشود پس کی برای مملکت کار می کنید ؟

نایب رئیس - آقای طباطبائی -

محمد طباطبائی - عرض کنم که آقای فیروز آبادی تا فزون بیگانه در این مملکت باشد انتخابات نخواهد شد (صحیح است - صحیح است) در این باب از نظر آشنائی که با هم پیدا کرده ایم شما توصیه می کنم که آنقدر اصرار نفرمائید که برای خودتان خوب نیست (فیروز آبادی - به کی میفرمائید) بیخشم معصوم آقای دکتر کشاورز است (دکتر کشاورز - بنده را مرعوب نفرمائید) خدا شاهد است مرعوب نیکنم يك مطلب قطعی را عرض میکنم که تا فزون خارجی در ایران هست انتخابات نخواهد شد (صحیح است) این مطلب هم تمام شده (صحیح است) (کامبخش - سفسطه فرمائید آقای طباطبائی اگر بنای سفسطه باشد ما بهتر

بله هستیم) باز هم يك مرتبه ديگر تکرار می کنم که تاقشون خارجی در ایران هست انتخابات نخواهد شد (صحیح است) (کلمبش - آن انتخابات فرمایشی هم بکوری چشم شما نخواهد شد) با این فرمایش باز هم تاقشون خارجی در ایران هست انتخابات نخواهد شد .
کامبش - بنده اخطار می کنم .

نایب رئیس - جناب عالی آقای کامبش توهین می کنید، چه حق دارید يك و کيلي اينطور توهین کنید :

کامبش - بنده اخطار کردم میخواهم توضیح بدهم .

محمد طباطبائی - پیشنهادی که آقای حکمت بمجلس تقدیم کردند پیشنهاد اصلاحی نبود خود پیشنهاد در آرشيوهيت ريسه ضبط است و برای این که ممکن است در اینجايك همچونظری پیش بیاید من گزافتم پیشنهاد را مطالعه کردم و با این که از طرف مقام ریاست مطلب تذکر داده شد احتیاطاً خود بنده پیشنهاد را گزافتم از اول تا آخر خواندم و بر سر مجلس رساندم که این خود بخود يك پیشنهادی است مستقل پیشنهاد آقای سردار فاخر يك پیشنهادی است مستقل پیشنهاد اصلاحی یعنی يك سطر یا يك کلمه پس و پیش بشود ولی این پیشنهاد را این جا خواندند و از طرف مقام ریاست هم تذکر داده شد با این قید که این پیشنهاد بجای آن ماده واحده ایست که هشتاد و چند نفر آنرا امضاء کرده اند (دکتر مصدق - این طور نیستود آقا) اجازه فرمایید همان هشتاد و چند نفر با همان تصویبی که شد باین پیشنهاد رأی دادند (دکتر کشاورز - پیشنهاد رأی دادند نه بطرح) این پیشنهاد آقای حکمت جای طرح را گرفت و پیشنهادی که قبلاً داده شده بود مربوط بطرح بود و پیشنهادات وقتی مطرح می شود که مفهوم و منطوق و معنی این پیشنهاد با آن طرحی که داده شده بود مفادش یکی باشد ولی قبلاً پیشنهاد شده بود مطابق آن ماده واحده که يك ماه بعد از تغلیه ایران از قشون خارجی انتخابات شروع خواهد شد و این مطالب پیشنهاد آقای حکمت بود که بعد از تغلیه مملکت ایران فرمان انتخابات داده میشود و راجع باین پیشنهاد کسی پیشنهاد نداده بود این جا مراجعه فرمایید اگر راجع باین پیشنهاد يك نفر دیگر يك پیشنهادی داده بود آنوقت فرمایش جناب عالی بجا است و حق باشماست والا این مطلب تمام است .

کامبش - بنده اخطار دارم .

مهندس فریور - بنده اخطار ماده ۸ نظامنامه اخطار دارم .

نایب رئیس - آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی - بنده خواستم عرض کنم که هنوز مجلس وارد دستور نشده است تا تکلیف این پیشنهادات را معلوم کنیم وقتی که مجلس وارد دستور شد اگر معلوم شد که بآن پیشنهاد رأی مجزا داده شده است معنایش این خواهد بود که ماده واحده مجزی تصویب شده و باید تکلیف سایر پیشنهاد ها را همین کرد بهر حال مرحله تعیین تکلیف بعد از این است که دستور تعیین شود که آقایان امروز چه خواهند کرد چون پیشنهادات جزء دستور است بعد معلوم خواهد شد آیا نظر مجلس این است که پیشنهادات مطرح میشود یا اینکه آن پیشنهادات می ماند برای کمیسیونی که قرار است تشکیل شود و بعد از آن که در کمیسیون مطرح شد يك لوايعی را بمجلس میآورند .



طرح تهریق انتخابات که بایک شور و شعفی از مجلس ۱۴ گذشت طوری انجام شد که نمایندگان حقیقی ملت در مجلس وارد نشوند و مراد از نمایندگان حقیقی آن نمایندگان هستند که علی رغم دولت بتوانند وارد مجلس شوند^(۱) و هیچکس منکر نیست که بعضی از نمایندگان دوره ۱۵ از طرف ملت انتخاب شده اند ولی اگر دولت نمیخواست و با آنها موافق نبود هرگز وکیل نمیشدند.

علت مخالفت دکتر مصدق با دولتهای اواخر دوره ۱۴ این بود که میخواست دولتی روی کار بیاید که در دوره ۱۵ اساس و بنیان مشروطیت مستقر شود و در اصلاح قانون انتخابات معتقد بود که سه اصل باید در نظر گرفته شود :

۱ - قید شرط سواد که رأی دهندگان رأی خود را در انجمن نظارت بنویسند و تطمیع و تهدید قبلی در آنها اثر نکند.

۲ - انتخابات در یکروز خانمه باید و صندوق رأی از نظارت دائمی مردم خارج نشود و بالنتیجه از هر گونه دستبرد و تعویض مصون بماند.

۳ - انجمن های نظارت از اشخاص معینی از قبیل استادان دانشگاه و قضات و رؤسای ادارت و دبیران و آموزگاران تشکیل شود تا اینکه فرماندهان و بخشداران نتوانند اشخاصی را مطابق مصلک و سلیقه خود وارد انجمن کنند و آنها را آلت اغراض خود قرار دهند.

بدیهی است اجرای انتخابات در یکروز سبب میشود که تعداد انجمنهای نظارت بچندین برابر معمول بالغ شود و سازش با عده زیادی از اعضاء انجمن آنهم اشخاص معروف و متمین بسیار مشکل است و انتخابات یکروزه مستلزم این است که در هر قریه انجمن نظار از اهل آن قریه تشکیل شود و انجمن نتیجه آراء ماخوذه را به بخشدار بدهد در اینصورت نه تنها سازش با انجمنهای فرعی شهرها مشکل است بلکه سازش بخشدار با انجمنهای تمام قراء يك دهستان محال بنظر میآید.

چون قید شرط سواد برای عموم انتخاب کنندگان سبب میشود که نمایندگان

(۱) در ممالک مشروطه و حکومت پارلمانی، وقتی دولت توانست با مجلس کار کند مجلس را منحل میکنند که در انتخابات بعد تکلیف معلوم شود و برخلاف نظریات عموم و مصالح مصلحت دائمی نشود، اگر نمایندگان مخالف دولت نتوانند در انتخابات موفق شوند و ورود مجلس موکول به موافقت دولت باشد انحلال مجلس منطبق نداشت و نمایندگان میبایست تسلیم نظریات دولت شوند و آزادی انتخابات مورد پيدا نیگردد.

دوره ۱۴ بسیاری از کرسیهای خود را از دست بدهند و قهراً با چنین شرطی موافقت نمیکردند. دکتر مصدق^(۱) طرح خود را اینطور تهیه نمود که حوزه های بلوکات از شهرها جدا شود و ۱۳۶ نفر از نمایندگان کتونی بر طبق قانون فعلی انتخابات در بلوکات انتخاب شوند و چون موافق اصل ۴ قانون اساسی بر عده نمایندگان مجلس تا ۲۰۰ نفر میتوان افزود ۶۴ نفر باقی رادر شهرها اشخاص باسواد انتخاب کنند و اشخاص بیسواد شهرها هم برای اینکه از حق انتخابات محروم نشوند و تبعیضی بین آنها و ساکنین بلوکات نشده باشد در حومه شهرها رأی بدهند و آراء آنها ضمیمه آراء بلوکات شود.

با اینکه این طرح بهیچوجه لطمه ای بمنافع نمایندگان نمیزد و آنها با فراغت خاطر میتوانند در بلوکات انتخاب شوند معلوم نشد چه علل و جهاتی سبب شد که نمایندگان نتوانند موافقت کنند. یأس از موافقت با این طرح سبب شد که دکتر مصدق نظریات خود را باز محدود تر و باین قناعت کند که فقط طرحی برای انتخابات شهر تهران تنظیم نماید و از تنظیم آن دو مقصود داشت اول اینکه بر طبق اصل ۴ قانون اساسی بر عده نمایندگان تهران ۲۰ نفر اضافه شود که اشخاص باسواد آنها را انتخاب کنند و دیگر اینکه در پایان انتخابات بر طبق اصل ششم قانون اساسی^(۲) مجلس ۱۵ افتتاح و از قدرت جلوگیری و با نظارت چنین مجلسی انتخابات سایر محلهها انجام شود که متأسفانه این طرح نیز مورد توجه نمایندگان واقع نشد و در روزهای آخر دوره چهارده فقط باعضاء چند نفر از نمایندگان که بعضی از آنها تصور نمیکردند در دوره ۱۵ انتخاب شوند رسید^(۳) و برای اینکه تکلیف دوره قنوت معلوم نشود مجلس ۱۴ بواسطه تهاجم و ازدحام ماجراجویان حزب توده و هوا خواهان قوام و توهین و کلاء چهار روز قبل از

(۱) از این ۱۳۶ نفر ۱۲ نفر متعلق به تهران است که اگر در نتیجه تفکیک حوزه های بلوکات از شهر و در شهرستانات و لواسان تخصیص داده میشد باز ۱۰ نفر و اشخاص باسواد شهر تهران انتخاب میکردند که مجموع نمایندگان شهرها ۷۴ نفر میشد و ما طرحهای دکتر مصدق را در آخرین کتاب ضمیمه میکنیم و بنظر خوانندگان محترم میرسانیم.

(۲) اصل ششم قانون اساسی «انتخبین تهران لدى الضرورت انفراد مجلس را داشته مشمول مباحثه و مذاکره میشوند، رأی ایشان در مدت غیبت متعین ولایات با اکثریت مناط اعتبار و اجراست».

(۳) اسامی اعضاء کنندگان طرح: آقای آشتیانی (ابراهیم) - دکتر زرنگنه - مویب تووسی - فلاسلی فریور - فرمت - رضا رفیع - رفیعی - اسکندری (امیر نصرت) - دکتر مصدق - رضا سگت - مرآت اسفندیاری - صدر قاضی - هاشمی - دکتر منظمی.

انقضای موعده قانونی از کار افتاد! ...

روزنامه کیهان در شماره ۷۸۵ مورخ ۲۱ مهرماه ۱۳۲۴ تحت عنوان: «تحریم انتخابات ... بالاخره کفه... چرید» در این باره چنین مینویسد:

«بالاخره لایحه تحریم انتخابات بطوری که از چندی باین طرف دردها افتاده بود تصویب گردید و کفه آن سیاستی که در ایران همیشه نقش مثبت بازی می کند چرید. ظاهر این لایحه خیلی قشنگ است، اول بار که من شنیدم بعضی از وکلای چنین تمسیمی را دارند خیلی آنرا پسندیدم حالا هم معتقد نیستم که کار بدی شده است مگر اینکه نقشه ای در کار باشد و بخواهند این راهی را که بطرف دیکتاتوری پیش گرفته اند تا آخر بروند آنچه بنظر ما مهم است این است که تصویب این قانون باز هم یکی از اسالیب حفظ سیاست يك طرفی در میهن عزیز ما است. این سیاستی که مدتها در ایران حکمفرما بوده میخواهد بهر عنوانی شده باقی بماند و سیاست دیگری در مقابل وی پیدا نشود. قدرت حکومت دیکتاتوری بیست ساله برای همین منظور بود، مجلس سیزدهم نیز برای همین مقصود افتتاح گشت و فراموش نمی کنیم که وقتی روزنامه از جند «ستاره» فشار میآورد که مجلس سیزدهم نماینده ملت ایران نیست و نباید افتتاح شود رجال و وزین و کارآگاه ما میگفتند که اگر انتخابات تجدید شود يك عده «بلشویک» انتخاب خواهند شد. یعنی كلك اعمال نفوذی که در انتخابات دوره چهاردهم شد نیز برای همین منظور بود و اکنون که انتخابات تا رفتن آخرین سرباز یگانه تحریم میشود نیز بهمان نیت است و حقیقت آنرا ما در یکی از مقالات خود مفصل شرح دادیم و خلاصه آن این است که در انتخابات دوره سیزدهم سیاست شمالی هیچ اثری نداشت، در دوره چهاردهم نیز بنصورت این که متفقین نباید در اموری که مربوط بزنگی ایشان در اینجا نیست دخالت کنند عملی که در وضع اثر داشته باشد نکردند و وقتی ملتفت شدند که گول خورده اند و حریشان اکثر سندی های پارلمان ایران را زیر نفوذ گرفته است که کار از کار گذشته بود! ...»

هیچ عنصر آزادی خواهی به دخالت هیچ دولت قوی در هیچ کشور ضعیفی راضی نیست تا به کشور خودش چه رسد؟ ولی آزادی خواهان میگویند انگلیس هم حق دخالت در امور ما ندارد و عناصر دست راست از این حرف بدشان میاید، اگر خواستید شما را آدم وطن پرستی بدانند از دخالت مأمورین انگلیس در ایران هیچ چیز نگویند، آنها مال خودمان دخالت آنها بصلاح کشور ما است، نام آنرا نبرید، آنرا قایلیم کنید به نحو دلپذیری تعبیر نماید که بهانه بدست مأمورین شوروی نیفتد فقط از دخالت مأمورین شوروی فریاد و زاری کنید و هر حادثه می رخ داد بتحریر آنها بدانید تا شما را وطن پرست و فرزند پاك ایران بدانند چون توده ملت ایران این عقیده را ندارد و میخواهد هیچک از دو همسایه در امور او دخالت نکنند اگر حاکم بر مقدرات خود گردید طبعاً این سیاست يك طرفی را ازین خواهد برد و سیاستی را اتخاذ خواهد کرد که هر دو طرف بایک چشم باو نگاه کنند پس آزادی انتخابات بفتح سیاست متعادل و ضرر سیاست يك طرفی است و اگر نیروی اجنبی در ایران باقی بماند و خواسته دخالت کنند باز يك کفه سیاست شمالی خواهد چرید و یا بقدری که تعادل برقرار شود نماینده ملت ایران تحمیل خواهد کرد و يك طرف مجلس را در قبضه خواهد گرفت پس هیچک از دو صورت بصلاح طبقه مسلط فعلی نیست و باید شق ثالثی پیدا کرد. شق ثالث نیز همین طرحی بود که پریروز از مجلس گذشت باید نام ملیت و استقلال

و وطن را پیش کشید و طرحی ریخت که هیچکس نتواند راجع بآن حرف بزند. و بفرحوی «کلمه حق» ابرید بهالباطل» مقصود خود را انجام داد سنگرها همه گرفته شده است شالو قبای ایرانی که کار کاشکول و فکول و کروان فرنگی بکنند در توأحی مملکت زیاد است از این بابت هیچ نگرانی نیست فقط باید حقه نمی زد که پشت حریف را از کار کوتاه کرد. اگر این طرح را غیر از این و کلا می آوردند کسی در خوبی آن تردیدی نداشت ولی کسانی که ما ایشان را می شناسیم نمیتوانیم باور کنیم که از آن قصد خیر دارند، اگر اینها قصد خیر داشتند کسی تا کنون سردست ایشان نگرفته بود، اگر از دخالت اجنبی میترسیدند در دوره چهاردهم این حرف را میزدند و از حضور در مجلس امتناع می کردند زیرا آن روز وضع خیلی شدید تر و دخالت اجانب در ایران خیلی علنی تر بود، دخالت یگانگان در انتخابات نیز اگر در دوره پانزدهم احتمالی است در دوره چهاردهم حتی بود و هیچکس نیست که نداند که بسیاری از نمایندگان را اجانب انتخاب کرده و مجلس فرستادند ولی در آنروز چرا چیزی نگفتند و اعتبارنامه آنها را تصویب کردند برای این که در آن روز رقابت حسیاست باین شدت نرسیده بود فقط برای اینکه نسبت قدم و تاخر محفوظ باشد دوسه نفری از نمایندگان رد شدند - مهارت در سیاست نیز جز این معنائی ندارد که دنیا را در مقابل امر واقع قرار دهد. در دوره سیزدهم چون احتیاج مجلس بود که قراردادها را تصویب کند و دخالت و زورگویی یگانگان صورت قانونی بدهد بدون هیچ ایرادی از طرف اولیای امور افتتاح گردید در دوره چهاردهم نیز همانها با قدری تفاوت انتخاب شدند و باز ترازو بهمان حال تمایل باقی ماند و اینک دوره پانزدهم که مسکن است رقیب قدم بقدم با آدم همراهی کند حرفی بلند میشود که هیچکس نتواند راجع بآن حرف بزند. کی میتواند بگوید اجانب در کشور ما باقی بمانند و انتخابات ما را با زور انجام دهند؟ شما خوانندگان عزیز که مذاکرات مجلس را خوانده اید لابد ملاحظه فرموده اید که مخالفین لایحه همه چیز را گفتند غیر از آنچه حقیقت مطلب بود، آنها میدانستند که مقصود از این لایحه چیست ولی نمی توانستند بگویند، برای اینکه ایشان راه میگردند؛ می گفتند: «شما میخواهید نیروی یگانگان در ایران باقی بماند که با زور ایشان انتخاب شوید» در صورتی که منظور از این لایحه جلوگیری از دخالت اجانب در انتخابات نیست بلکه منظور آن تأمین نظریه يك طرف و جلوگیری از اعمال نظر طرف دیگر و بالاخره انتخابات خودتان بهمان وسایلی است که تا کنون بکار برده اید این را نمیتوانستند بگویند و اگر هم کسی حاضر بود پرده را بالا بزنند او را نمی گذاشتند حرف بزند ... بهر حال این لایحه با تحوی که آقای سردار فاخر اصلاح کرد تصویب گردید حقیقتش همان است که در بالا گفتیم ولی صورتش خوب است بسیاری از وکلا نیز بقصد مقدس و نیت پاکي آن را امضاء کرده بودند و بهمان رأی دادند در این امر نمیتوان تردید کرد زیرا ما بسیاری از ایشان را میشناسیم که مردم وطن پرستی هستند و بنابراین امیدواریم که عمل هم طوری بشود که بصلاح و خیر مین عزیز ما باشد.

از آنچه گذشت معلوم شد که تشکیل اقلیت و مبارزه با

نتیجه

دولت صدر مخالفت با شخص صدر نبود بلکه از این نظر بود

که نمایندگان بمتافع حیاتی کشور متوجه شوند و مواقع

حساس را که ممکن است بتفع مملکت قدمهای بلندی بردارند از دست ندهند چنانچه

نمایندگان اقلیت همگی در اصلاح قانون انتخابات متفق بودند طرح تعویق انتخابات از مجلس نمیگذشت و قانون طوری اصلاح میشد که هیچ دولتی نتواند در انتخابات ما دخالت کند ولی چون عده زیادی از نمایندگان اقلیت هم با مقررات قانون فعلی انتخاب شده بودند نتوانستند و یا نتوانستند از این قضیه حیاتی دفاع کنند، خلاصه آنکه مجلس ۱۴ مثل سایر مجالس زاده قانون فعلی انتخابات بود و هر دستفای تصور میکردند که از این قانون در منافع شخص خود استفاده میکنند ولی دوره فترت پیش آمد و عده زیادی از هواخواهان قانون و آتھائی که تصور میکردند دولت قوام دست آنهاست و حتماً تمام کرسیهای مجلس را اشغال خواهند کرد نتوانستند اعمال نفوذ کنند و محروم شدند و اکنون اذعان دارند که اگر با طرح دکتر مصدق موافقت شده بود بیشتر میتوانستند بخود و مملکت خدمت کنند

در جلسه ۲۴ مهر ماه ۱۳۳۴

در جلسه ۲۴ مهر ماه باز دکتر مصدق راجع بقانون تحریم انتخابات نطقی نمود و در خاتمه نسبت به شرکت سهامی برق که بنا بشو طئه بعضی از وزراء و بازرگانان و شهردار وقت در شرف تاسیس بود مطالبی اظهار کرد که پس از این نطق موسسین و عاملین شرکت از اجرای نقشه خود منصرف شدند - بقول یکی از طرفاء «دکتر - مصدق چنان کلاه شرکت سهامی برق را خراب کرد که حتی گرد هم از آن برخاست» بعداً بکار شرکت سهامی برق از طرف دیوان کیفر رسیدگی هائی شد و نسبت به عده از آنان با اتهام اختلاس و کلاهبرداری اعلام جرم گردید - اینک متن کامل نطق مزبور از شماره ۱۹۸ مذاکرات مجلس صفحه ۶۶۲ و ۶۶۳ نقل میشود:

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق .

فترت

دکتر مصدق - بنده تب دارم و با حالت گسالت آمده ام اینجا و تحریم انتخابات که امروز روی دو مسئله صحبت کنم یکی گله از آقای سید محمد -

تجددویکی دیگر هم مربوط به نظامات مجلس - اول از ایشان گله

میکم (متأسفانه حالا در مجلس هم نیستند) بعد در آن قسمت آخر هم عرایض خودم را عرض میکنم، البته خاطر آقایان معترم مسبق است که من در جلسه قبل بپاده واحده رأی ندادم ولی بدو فوریت لایحه رأی دادم، آقایانی هم که اینجا تشریف داشتند و آقایانی که نزدیک من نشسته بودند این را میدادند (صعیح است) ولی بنده تعجب میکنم از آقای سید محمد - تجدد چطور دیدند که من رأی دادم بپاده واحده در صورتی که ایشان پنج طبقه جلوتر از من نشسته اند آنوقت در نطقی که فرمودند اظهار فرمودند که: «بنده در پاسخ آقای دکتر -

مصداق عرض میکنم بنده در آرشو تا جایی که ممکن بود سوابق را خواندم و از اول تا آخر درست مطالعه کردم راجع باین جریان هم خود بخود غضبه روشن است پیشنهادی است داده شده بجای طرح ، این پیشنهاد پیشنهاد اصلاحی نیست خود آقای دکتر مصدق هم بآن رأی داده اند در صورتی که بنده عرض می کنم که بیچوجه رأی نداده ام باین ماده و آقای سید محمد دوماه قبل از این که بنزل بنده آمدند گفته که شایانست با این طرح موافقت کنید بنده گفتم که من نمیتوانم موافقت کنم و همچنین در کبیسونی که بودیم و آقای دکتر طاهری هم تشریف داشتند بنده آنجا هم عرض کردم با این طرح مخالف هستم و آنجا آقای دکتر طاهری خودشان نصیحتی اتخاذ فرمودند و فرمودند که يك ماده واحده ای تهیه شود یا نظر آقایان و مذاکره شود و نصیحتی اتخاذ شود این پیشنهادی که بنده کردم در حقیقت با موافقت کبیسون بود حالا بعد اکثریت موافقت نکرد بنده چه عرض کنم مربوط یکی نیست من شخصاً بآن عقیده پایدار بودم ولی وقتی هم که لایحه آمد مجلس بآن لایحه رأی ندادم و کسی که مخالف است باید علت مخالفت خودش را بگوید علت مخالفت من روی اصل هفتم قانون اساسی است تا زمانی که ما مجبور نشویم قانون اساسی را باید قضا بکنیم ، قانون اساسی معتبر است ، بنده صریح عرض می کنم ، در دوره پنجم بریاست کل سردار سپه ما رأی دادیم و در همان مجلس بنده خودم مخالف بودم و در اطاق پهلوی کتابخانه بودم مرحوم داور آمدند گفتند شما حاضر هستید که با فرماندهی کل قوای سردار سپه مخالفت نکنید گفتم بنده مخالفم زیرا برخلاف قانون اساسی است و مخالفت کردم بعد يك ترتیبانی پیش آمد در مجلس و ما همه مان، مرحوم مستوفی السالک و مشیر الدوله و آقای علاء و قهی زاده دیگران آن عده اینکه با هم کار میکردیم این طور صلاح دانستیم که آن روز برخلاف قانون اساسی رأی بدیم و صلاح سلطنت را يك اصل قانون اساسی ترجیح بدیم و بعد هم آمدند و این قانون را بعد از شهر بهور ماه نقض کردند این است که بنده عرض می کنم که اگر يك رأی باید بدیم برخلاف قانون اساسی باید حقیقه روی قضیه حیاتی سلطنت باشد و این ماده واحده روی قضیه حیاتی سلطنت نبود یعنی اگر ما بتوانیم يك رأی دیگری پیدا بکنیم علت ندارد که ما برخلاف يك ماده قانون اساسی رأی بدیم این عقیده و این نظر بنده بود و دیگر اینکه از نظر سیاست در مجلس شورای ملی باید يك سیاست بی طرفی را رعایت بکنیم اگر سیاست بی طرفی را رعایت نکنیم حقیقه سلطنت را دچار مضامین بزرگ می کنیم ما باید کاملاً از يك پیش آمدهائی احتراز بکنیم و سلطنت خودمان را از این گیر و دار و از این حیس و بیس و هریش آمدی حفظ کنیم نظر آقایان این بود که تا قانون خارجی از ایران خارج نشود انتخابات نشود مگر ما مخالف بودیم و ما مخالف هستیم نظر ما این بود که انتخابات دو ماه با سه ماه

نشود - چرا ؟

برای اینکه ما يك قانون انتخاباتی درست بکنیم و يك دولتی تشکیل بدیم برای اینکه ما بدانیم که ما دولتمان این است ، قانون انتخاباتمان این است اگر باز هم موافقی بود باز هم انتخابات نشود ، اگر ما قانون انتخابات نداشته باشیم ، دولت صحیح نداشته باشیم ، و قشون خارجی رفت آن وقت چه میشود ؟ اگر مجلس بعد هم مثل این مجلس باشد مخالف بی طرفی است ، مجلس شورای ملی باید بشام معنی نایبده ملت ایران باشد ، اگر مجلس شورای ملی نایبده ملت ایران شد هیچیک از مجاورین ما حق رنجش ، حق گله ندارند و بین ما و آنها هیچ اختلافی بوجود نمی آید ولی اگر ما آمدیم جنبه بی طرفی را از دست دادیم و رعایت نکردیم سلطنت را دچار مضاطره کرده ایم ، این نظر بنده بود و من نمی دانم آقای آقا سید

محمد چه اصراری داشتند که در نطق خودشان بگویند که من رأی داده ام اگر این لایحه، لایحه خوبی بود و بر صلاح مسلکت بود البته بنده باید افتخار بکنم و ببیند باید بگویند تو افتخار داشته باش که باین لایحه رأی داده ای و اگر من رأی نمی دادم می گفتند بجهنم که رأی نیدهی و بنده میدانم ایشان چه اصراری داشتند بنده را که رأی نداده ام شریک در تصویب لایحه قرار بدهند و نسبت بجرایان لایحه هم بنده باز نظریه خودم را عرض میکنم، چون در صورت مجلس دیروز این ماده را تصویب شده تلقی کردند و نوشته اند «تصویب شده» این ماده بهیچوجه من الوجوه تصویب نشده است و اساساً در طرز تصویب این لایحه آن مقرراتی که باید رعایت بشود مراعات نشده است. ماده ۶۸ نظامنامه میگوید:

«اصلاحاتی که در باره مطالبی پیشنهاد میشود قبل از خود مطلب درباره آن اصلاحات رأی گرفته میشود» بجهت اینکه همانطور که الان اتفاق افتاده است اول باید با اصلاحات رأی بگیرید و بعد از اینکه اصلاحات تصویب شد آنوقت بخود ماده رأی بگیرید در صورتیکه این جا اینطور نشده است، اگر بنا باشد این اصل مطلب هم باشد اول درباره خود مطلب رأی گرفتند و آن پیشنهاد آمد و قائم مقام این شد و حالا این مطلب را بنده عرض می کنم و باز هم بنظر مجلس شورای ملی است که هر طور میخواهد رفتار کند و حالا عرض بنده این است که يك پیشنهادی که شده است این پیشنهادات تمام راجع میشود باین ماده که تمام تبعی است. ما اگر این ماده را امروز در این مجلس گذرانیم و از این مجلس بیرون رفتیم تا مبنی برای دوره فترت نمیتوانیم داشته باشیم باید برای دوره فترت آقایان نمایندگان يك فکری بکنیم شما يك کاری نکنید که بخودمان هم زحمت باشد، ما باید آقا برای دوره فترت تأمین داشته باشیم هر کاری که هست باید با خود این ماده انجام شود (صحیح است) اگر این ماده از مجلس خارج شد نمایندگان نمیتوانند که تکلیف مسلکت را روشن کنند و معین کنند این بسیار کار مشکلی است (صحیح است) و نخواهد شد بنده استدعای کنم که از آقایان که باین مواد الحاقیه و تبصره ها توجه بفرمایند و يك صورتی را بیاورند که این ماده وقتی از مجلس می رود ما پیش مردم شرمندة نباشیم که بگویند شما يك چیزی را برداشتید و يك چیز بد تری را برجایش گذاشتید و یکی از معایب این ماده واحده که بسیار خطرناک است این است هر کسی که بخواهد در این مسلکت حکومت ملی نباشد و مجلس شورای ملی نباشد کافی است یکی از متفقین عده ای از قشون خودشان را در این مسلکت بگذارند باستناد این ماده اینکه در مسلکت هست از تشکیل مجلس شورای ملی جلوگیری کنند (صحیح است) ما باید يك کاری بکنیم که نظر مجلس ما در سیاست خارجی معلوم شود ما باید اختیار داشته باشیم که هر وقت بخواهیم مجلس خودمان را تشکیل بدهیم، ممکن است هر يك از متفقین ما که بخواهند تا يك مدتی که قشونشان را نگاهدارند باید عرض کنم که يك حربه ایست بدست هر يك از متفقین خواهد افتاد (از دلان - بهترین ماده ایست که ما تصویب کرده ایم افتخار میکنم) ... بسیار خوب مانعی ندارد، اما راجع بنظامات مجلس بنده عرض میکنم ما واقع شدیم بین دو دولت دوست و قوی، فقط چیزیکه ما را حفظ میکند سیاست عاقلانه ما است تنها نه در امور سیاسی بلکه در امور اقتصادی هم باید رعایت بیطرفی بشود. بنده از نظریه طرفی عرض میکنم امروز در این مملکت هر ام کمونیستی تبلیغ میشود مخالف با بی طرفی ما است بجهت اینکه یک دولت مجاور با این مرام مخالف است و همچنین اگر مرام سرمایه داری هم در این مملکت ترویج و تشویق بشود باز هم مخالف بی طرفی ما است ما باید مسلکت خودمان را بطوری اداره بکنیم که هیچیک از این دول نتوانند با ما ابرادی

بگیرند (سیدضیاء الدین - پس ما چکاره ایم) و همچنین مجلس شورای ملی ما، اگر نمایندگان دست چپ و نمایندگان دست راست نظامات مجلس را رعایت نکردند این مجلس بهیچ کاری موفق نیستود، تو این مجلس باید نظامات رعایت بشود مخصوصاً بنده از نمایندگان حزب نوده که در اقلیت هستند و چون در اقلیت هستند جوش و خروششان خیلی زیاد است استدعا می کنم که يك اندازه ای توجه فرمایند و هر فرمایشی هم که میفرمایند متابعت را از دست ندهند (صحیح است) باید يك طوری باشد که مجلس شورای ملی بتواند موافق باشد، حرف را همه جور میتوان زد ولی البته حرف را باید با متابعت زد زیرا اگر حرف با متابعت و نزاکت گفته شود اثرش بیشتر است (دکتر کشاورز - بشرط اینکه اکثریت زور نگویند) ... خوب، البته (کامبخش - همه غذا را خودشان نخورند) و بنده میخواستم عرض کنم که این عرایضی که عرض کردم که ما باید تشویق اصول سرمایه داری را نکنیم این را حقیقتاً باید بشمام معنی رعایت بکنیم.

امروزه ملاحظه فرمائید که بانک انگلیس و راه آهن آن کشور در باره :
شرکت سهامی برق و تلفون

در ملی شده است این را بنده در روزنامه خوانده ام میدانم آقایان خوانده اند یا نه؟ امروز اگر يك چیزهایی در دست دولت است این چیزها البته روی يك مصالحی است زیرا مسئله برق، مسئله آب، مسئله تلفون این ها يك چیزهایی نیست که شرکت سهامی بدهند و انتظار داشته باشند که شرکت سهامی در رفاهیت و آسایش مردم اقدام کند امروز شهرداری طهران آمده است و باین عنوان که ۲۰ میلیون تومان برای توسعه برق شهرداری لازم است اداره برق را متحمل کرده یا میخواهد متحمل بکند یا شرکتی میخواهد درست بکند باسم شرکت سهامی، و ۳۶ میلیون اموال شهرداری را قیمت کرده اند و معلوم نیست که این اموال را کی قیمت گذاشته و بچه اجازه ای رفته اند این کار را کرده اند، شهرداری چه طور اجازه داشته است که اداره برق را متحمل بکند و بیاید يك شرکت سهامی درست بکند. با عنوان شهرداری نوشته است که چون ما بیست میلیون میخواستیم برای شهرداری طهران آمدیم اداره برق را متحمل کردیم و شرکت سهامی کردیم، در صورتی که اگر ۲۰ میلیون ریال لازم بود برای این کار مسکن بود که از بانک ملی تقاضا بکنند، بانک ملی برای این کار است اگر بانک ملی نتواند که این قدر و این مبلغ را شهرداری قرض بدهد پس بانک ملی چه فایده ای دارد و بچه درد میخورد، بر فرض اینکه بانک ملی این قرض را هم نمیداد، منفی نبود که اداره برق را متحمل بکنند میبایست شرکتی شهرداری برای برق يك قسمت از شهر درست بکنند آنوقت يك رقابتی بین این اداره برق و آن شرکت بشود مردم رفاهیشان بیشتر باشد بنده با این مطلب مخالفم (صحیح است) که شهرداری بیاید بدون هیچ اختیاری و بدون هیچ دلیلی يك اداره برقی را متحمل کند.

آنوقت ۳۶ میلیون اموال شرکت را که معلوم نیست کی ارزیابی کرده است يك اشخاص متولی ازش استفاده کنند اگر این اموال عوض این ۳۶ میلیون حقیقتاً ۷۰ میلیون قیمت داشته باشد آنوقت اینها ۳۰ میلیون میآورند و از بقیه اش استفاده میکنند (صحیح است) دلیل ندارد که ما یائیم بقول فرانسوی هادسانترالیزاسیون دریش، و تمرکز سرمایه کنیم يك اشخاصی را بی جهت متولی کنیم و يك عدم تساوی بی جهتی در جامعه درست بکنیم، يك اشخاصی از سیری خفه شوند و يك اشخاص از نداشتن روبوش از سرما بپزند (صحیح است) باید کارها به صلاح سلکت باشد (صحیح است) شما ملاحظه فرمائید ببینید همین شرکت

تلفونسی که دست دولت باید باشد و دست مردم است بروز این مردم چه می آورد (بین اسفندیاری صحیح است) هر کس که تلفن دارد قطع می کند بدون هیچ دلیلی می فروشد (بین اسفندیاری صحیح است) بنده سند و دلیل دارم - عرض کنم بالاخره در خود نظامنامه شرکت تلفون این است که اگر سیم کشی بکنند باید بدون گرفتن پول این سیم کشی را بکنند، این جا می آیند از هر کسی که میخواهد سیمش را بیک جای دیگر ببرد پول میگیرند از دستگاه تلفون که باید مجانی باشد صد تومان پول میگیرند شش هزار تلفون است شصت هزار تومان از این مردم گرفته اند و اسهام تلفون در ۱۳۱۳ مال دولت بود آمدند بشرکت واگذار کردند و اسهام را بیک عده دادند و این عده بعنوان اینکه صاحب آن اسهام هستند با شرکت کاملاً همکاری می کنند - بنده میخواهم باشخصی که در شرکت هستند و شرکت را اداره می کنند توهینی کرده باشم هیتقدر عرض میکنم که بعضی اشخاص بسیار صحیح العمل این شرکت را اداره می کنند، بسیار صحیح العمل اشخاصی که دیگر در این ملکات از آن صاحب العمل تر نیست! (خنده نمایندگان) خلاصه عرایض بنده این بود که شرکت تلفون خودش بیک نمونه است برای ما که ما نباید حاضر بشویم که این برق شهرداری که امروز بصورت بیک اداره دولتی اداره میشود این را شرکت سهامی بکنیم زیر اداره دولتی با کسی حب و بغضی ندارد سیم کسی را قطع نکنند، سیم کسی را نیغروشد، استفاده نامشروع نمیکند هر وقت هم که لازم شد رئیس آن اداره را تغییر میدهد ولی اگر شرکت سهامی شد بیک عده ای از اشخاص که فعلاً و کیل هستند و وزیر هستند و اشخاصی که بالقوه میتوانند وزیر بشوند و وکیل بشوند سهام این شرکت را میخرند و با هر دولتی که بیاید سازش میکنند و نرخ برق را بعضی بالا میبرند که هیچکس نتواند در خانه خودش چراغ روشن کند (صحیح است) این است عقیده بنده و استدعا می کنم که آقایان توجه فرمایند این شرکت تأسیس نشود و باین اداره برق کمک کنید، همراهی کنید اگر حقیقتاً رئیس اداره برق خوب نیست بیک رئیس خوبی برایش بیابید، اگر این اداره محتاج بکمک است از بانک ملی کمک بگیرد - آخرین عرض بنده این است که بیست روز است که بنده از وزارت دارائی دوسیه خیر آباد را خواسته ام نمیدانم بچه ملاحظه برای من فرستادند؟! آن تصویب نامه که در آن دوسیه بود و بساین نمره صادر شده است ۱۱۶۱۴ - ۵۳۶ از بین رفته است این است که بنده از آقای وزیر دارائی خواهش می کنم هر چه زود تر این دوسیه را بفرستد که بنده نظر خودم را عرض بکنم (وزیر دارائی - فرستاده خواهد شد).

استغای آقای صدرالاشرف

بالاخره پس از ششماه تمجیح و اتلاف وقت آقای محسن صدر در ۲۹ مه - رمه ۱۳۲۴ استغای خود را بحضور ملوکانه تقدیم و از نخست وزیری کناره گیری کرد - اکنون که ماجربان آن روز را تجزیه و تحلیل میکنیم و وقایع و حوادثی که اتفاق افتاده مانند پرده سینما از جلوی دیدگان خود میگذرانیم میبینیم که اقلیت مجلس از اول خوب تشخیص داده بود که تشکیل این دولت که سیاست شمالی را عصبانی کرده و کاری هم نتوانست بکند غیر از اتلاف وقت نتیجه ای نداشت و وقایع بعد ثابت کرد که آنان در اصرار و پافشاری خود در این امر مهم ذیحق بوده اند - الحق و الانصاف

این عده از نمایندگان فداکاری نمودند و مبارزه آنان فصل درخشانی را در تاریخ مجلس ۱۴ و مشروطیت ایران تشکیل میدهد آنها در این چندماهه حکومت صدر آبی فراغت خاطر نداشتند و با اینکه همه نوع قدرت و اختیار در دست مخالفین بود معینا چنان در عقیده خود باینداری و مقاومت نمودند که در ادوار تقنینیه نظیر نداشته است؛ دکتر مصدق میگفت در این مملکت که عده ای از مردم مبارزه بین اقلیت و اکثریت را یک نزاع شخصی تشخیص دهند بجای اینکه از حق و مصالح عمومی حمایت و دفاع کنند بگویند: «اختلافی است بین دو دسته مجلس که باید خودشان رفع کنند» کار بسیار مشکل و لازم بود که نمایندگان اقلیت فداکاری کنند چنانکه همگی نمودند و موفق هم شدند و مورد تردید نیست که اتحاد عده ای اشخاص مختلف المصلک غیر از احساسات و افکار عمومی علت دیگری نداشته است و چنانچه مردم بیش از این ابراز احساسات مینمودند این اختلاف در همان روزهای اول رفع میشد و قانون تحریم اشخاصات هم بطوریکه شرح داده شد از مجلس نیگذشت.

بیانیه دکتر مصدق در ۱۳۲۴

بعد از سقوط دولت صدر دکتر مصدق بیانیه ذیل را منتشر کرد که از روزنامه «داد» زه ۵۷۷ اول آبانماه ۱۳۲۴ نقل میشود:

سپاسگزاری و تعیین خط مشی

از آقایانی که بدموت این جانب برای مخالفت با دولت صدر تشکیل اقلیت داده و تا سقوط آن وفا دار بودند تشکر میکنم چنین هستی در تاریخ پارلمانی ما نظیر نداشته و شایان بسی تقدیر است.

و نیز از آقایان شیخ المراقین زاده وهاشمی و سلطانی که عارا بر رفتن مجلس دعوت و وفای بعهده نمودند سپاسگذاریم «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» صدورفت و صدر- هاهم میروند آن چیز که باقی میماند نام نیت است.

خط مشی این جانب در مجلس شورای ملی:

- ۱ - نیت بهر کس که مورد توجه و اعتماد جامعه باشد و مجلس شورای ملی تسایل خود را بنحست و زیری او اظهار کند موافقم.
 - ۲ - رأی خود را بر نامه دولت بشرط ذیل موکول میکنم.
- (الف) - چون موقعیت امروز مملکت ایجاب میکند که اکثریت قریب بانفاهی پشتیبان دولت باشد نخست وزیر آینده باید دولت را از کسانی که بهیچ سیاست بسگی ندارد و سواجشان روشن و مورد توجه افکار عمومی باشند تشکیل دهد تا در این آخر دوره

بتواند کارهایی در نفع مملکت بکند و کوچکترین خبط سبب میشود که اوقات گرانبهای مملکت از دست برود.

(ب) - برای طرح تحریم انتخابات با مجلس شورای ملی توافق حاصل کند که موادی در تکمیل طرح نامبرده از مجلس بگذرد تا اگر بحرانی پیش آید حکومت ملی تأمین باشد و انتخابات دوره ۱۵ بر طبق مصالح مملکت انجام و رفع نگرانی J. افکار عمومی بشود.

(ج) - پس از آنکه برنامه از تصویب مجلس گذشت بلافاصله لایحه اصلاح قانون انتخابات را بهسریک از دو طریق ذیل که مجلس شورای ملی موافقت کند پیشنهاد نماید:

اول - قانون فعلی برای انتخاب ۱۳۶ نماینده در بلوکات اجرا شود و ۶۴ کرسی از بقیه ۲۰۰ کرسی اصل ۴ قانون اساسی بشهرها تقسیم شده و در شهرستانها داوطلبان و کالت قبلا معلوم و اشخاص با سواد رأی بدهند و انتخابات در تمام مملکت یک روز خاتمه یابد.

دوم - تخصیص دو کرسی به کن و سولقان و شیرانات و غیره که بلوکات نامبرده از حوزه تهران مجزا شوند و بر ۱۰ نفر بقیه نمایندگان تهران ۲۰ نفر اضافه شده و انتخابات طهران بطوری که در طریق اول مذکور شد انجام شود. دکتر محمد مصدق

مندرجات روزنامه ها و عقاید ارباب مطبوعات

(۱) - روزنامه اطلاعات - که از موافقین دولت بود و دو نفر نماینده در مجلس داشت که بکایت رأی اعتماد داده بودند در شماره ۵۸۸۹ مورخ سی ام مهرماه ۱۳۲۴ تحت عنوان: **آقای صدر استعفا داد** چنین نوشت:

«... آقای صدر که پس از جلسه دوازدهم مهر و اعتراضاتی که بایشان شد از حضور جلسات مجلس خودداری مینمود در این مدت نیز در حال کناره گیری و تعیین تکلیف بسر- میبردند و پیوسته با آقایان نمایندگان که ملاقات مینمودند میگفتند که زودتر با اختلاف نظرها خاتمه بدهید بین اقلیت و اکثریت اتفاق ایجاد نمائید و برای نخست وزیر آینده فکری بیاندیشید و باین بلا تکلیفی خاتمه دهید.»

..... اقلیت چهل نفری مجلس حرفی که روز اول میزد تا آخر دوره اظهار آن پایداری و مقاومت نمود. روز اول گفتند با آمدن صدر مخالف هستیم مدتی مجلس را ترک کردند وقتی دوباره بهجلس آمدند همین حرف را زدند، یازهم همین عنوان را تکرار کردند و تا روز آخر هم گفتند ما با آمدن صدر مخالف بوده و هستیم. اما دلایل مخالفتشان را هم نگفتند بنی در حقیقت معلوم نشد که مخالفت اقلیت صرفاً روی کنار ماندن آنها در انتخاب نخست وزیر صدر بوده یا در شخص صدر مشکلاتی را سراغ داشتند این قضیه بالاخره هم روشن نشد !!!.....»

(۲) - روزنامه کیهان که در تمام مدت او بستر کمیون با اقلیت همسکاری مینمود

در شماره ۷۹۳ مورخ ۳۰ مهرماه تحت عنوان: «استغای دولت یا شکست از تاج» چنین می‌نویسد:

«دیروز ساعت ۴ بعد از ظهر آقای صدر بحضور اعلیحضرت همایون شرفیاب شده استغفا داد و اعلیحضرت همایونی نیز استغای او را قبول فرمودند از غیلی پیش اعلیحضرت شهریاری متوجه شده بودند که کابینه صدر قابل دوام نیست و هر بار که صدر از مشکلات دولت خود چیزی بعرض رسانیده بود تذکر داده بودند که او نخواهد توانست کار بکند ولی صدر و طرفداران او اینرا بروی خود نمی آوردند و حتی نیات و نظریات شاهانه را برعکس آنچه بود جلوه میدادند و میگفتند چند روز قبل که او بحضور شاهانه شرفیاب شده عرض کرده بود که مجلس با من مخالفت میکنند و لواطح من نیکنند و برای استزاج خاطر مبارک شاهانه نامی هم از استغای خود برده بود اعلیحضرت شاهنشاه فرموده بودند بنظر من نیز همینطور است یعنی شما باید استغفا بدهید ولی این قضیه در روزنامه‌ها و دهنهای طرفدار دولت، طور دیگر منعکس شد و با کمال بی پروائی نوشته و گفته که اعلیحضرت همایونی با استغای صدر موافقت فرمودند. چرا اینقدر در ابقای صدراصرار داشتند؟! هر کس این بازیگران مجلس و دسته ای که برای حفظ حیات طفیل خود متحد شده اند بشناسد و از سوابق و روحیه آقای صدر پرمی اطلاع نباشد خودش جواب این سؤال را میداند.....»

..... تزلزل ارکان قلدری نیز ملت ها را تکان داده و ارکان دیکتاتوری و قلدری را در کشور ما متزلزل کرده است نتیجه چه خواهد شد؟ تغییر محیطی که فقط برای پرورش حشرات موذی و حیوانات طفیلی مساعد بوده چه باید کرد؟ باید در جلو افکار آزادبخواهی سد گذاشت و وسایل خفه ساختن آنها فراهم کرد و نهال آزادی را قبل از آنکه ریشه بگیرد از مزرعه کشور کند.

برای این منظور رفتند و صدرا را پیدا کردند و گویا هم نیکویافتند برای اینکه در این مدت کوتاه صدر نشان داد که از برای اجرای اغراض آنها خوب آلتی است هر چه از این دولت روز گذشت وضع مملکت آشفته تر و متشنج تر گردید و هر چه وضع مملکت متشنج تر شد اینها در ابقای دولتی که وجودش موجب این تشنجات بود بیشتر اصرار کردند همه چیز را زیر پا گذاشتند به انقلابات مازندران، خراسان و عصبانیت آذربایجان اهمیت ندادند، هر صداتی در مرکز بلند شد آنها خاموش کردند، دودمتمی گوتاه چهل و هشت روزنامه توقیف کردند در احزاب را بستند و برای اینکه بپا نه داشته باشند حکومت نظامی را بدون ذکر هلت معینی تشدید کردند و بجای تخفیفی در عملیات خود و اطفاء نائره احساسات ملت بهر و جنجال و افتراء پرداختند جواب حرفهای متعلقی را با مشت دادند و دولت نیمه جانی را باقی گذاشتند و هر کاری خواستند بنام او کردند «وطن پرستی» «استقلال خواهی» «آزادی طلبی» «کارگری» و «رنجبری» را نیز منسوخ کردند و حتی برای «اتحادیه بین المللی کار» نیز کارگر مصنوعی فرستادند و خود و ما را در تمام دنیا رسوا کردند زیرا چنانکه در تلگراف امروز که از پاریس برای ما رسیده است میخوانید کنگره از پذیرفتن نمایندگان دولت خود داری کرده و فقط نمایندگان اتحادیه های سندیکاهارا قبول نموده است!!!.....»

(۳) روزنامه نوروز ایران (بجای روزنامه داد) در شماره ۵۷۷ اول آبانماه

۱۳۲۴ تحت عنوان «بس از کابینه صدر» چنین نوشت:

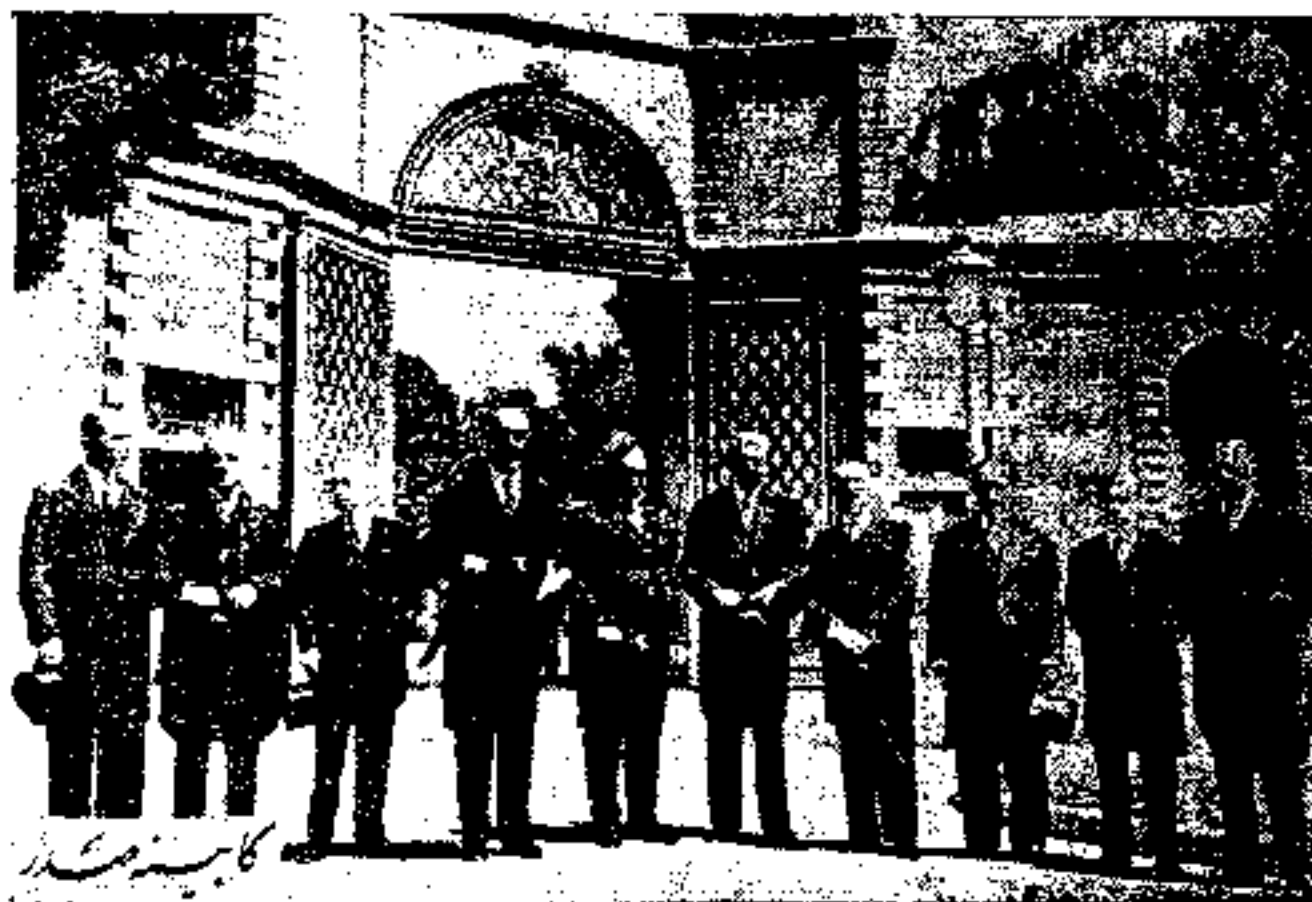
دولت صبرهنگامی از کارکناره گرفت که افق سیاسی جهان تیره تر گردیده بیندولت های امریکا وشوروی وانگلیس اختلاف بیشتر شده است در چنین وضعیتی از سیاست بین المللی صدر از کارکناره گیری مینماید درحالیکه روابط ایران وشوروی به منتهای درجه تیرگی خود رسیده است .

برنامه دولت صدر

در اینجا بی مناسبت نیست برای تکمیل این فصل برنامه دولت صدر را

نقل نمائیم :

۱ - حفظ وتحکیم مناسبات حسنه بین کشور ایران و کشورهای دول متفق و سایر دولتهای دوست همیشه هدف اصلی دولت ایران بوده ودولت این جانب نیز از وظایف مهمه واولیه خود میداند که تمام مساعی خود را برای تشبیدوتأیید آن بکار برد ، رویه دولت اینجانب برای رسیدن باین مقصود صمیمانه وصادقانه است ونسبت بهر یک از منتقین مابکسان



از راست بچپ : آقایان سپهبدی وزیر خارجه - آراسته وزیر راه - ابراهیم زند وزیر جنگ - دکتر سعید مالمک وزیر بهداشتی - گلشائیان وزیر بازرگانی و پیشه و هنر مرحوم رهنما وزیر فرهنگ - صدر نخست وزیر - نصر المملک وزیر دادگستری - وزیر پست و تلگراف - دکتر فنجی وزیر کشاورزی - در این کابینه آقای بدر هم وزیر دارائی بودند که در این عکس نیستند، وزارت کشور را خود نخست وزیر سرپرستی میکردند

- و صرفاً بر اساس استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران و احترام متقابل طبق مقررات میان
سه گانه و متشور آتلانتیک و اعلامیه تهران انجام خواهد گرفت .
- ۲ - مطالعه در امور اقتصادی بنظر اتخاذ و استقرار اصول و تشکیلاتیکه متناسب
با مقتضیات و مصالح کشور باشد .
- ۳ - تجدید نظر در قانون مالیات بر درآمد و بعضی از مالیاتهای دیگر و تامین
توازن بودجه .
- ۴ - استقرار کامل امنیت در تمام شئون کشور بوسیله اجرای قطعی قوانین و اصلاح و
قویت سازمانهای مسئول .
- ۵ - تهیه کار برای بیکاران بوسیله تشویق شرکتهای خصوصی و فراهم ساختن وسیله
استفاده از سرمایه های کوچک و اقدام بکارهای عام المنفعه مانند امتداد راههای آهن و اسفالت
نمودن شاهراهها و آبیاری .
- ۶ - بهبود وضع کارگران و کشاورزان بر طبق قوانین مخصوصی که از مجلس شورای
ملی خواهد گذشت .
- ۷ - بهبود وضع کارمندان دولت و تجدید نظر در قوانین استخدامی .
- ۸ - اجرای سازمان جدید وزارت بهداشت پس از تصویب کمیسیون بهداشتی مجلس
شورای ملی و تنظیم برنامه چند ساله برای اصلاح بهداشت کشور .
- ۹ - تقویت مطالعه و اصلاح برنامه های تحصیلی ، تسریع در اجرای قانون تعلیمات
اجباری و اقدام در تأسیس دانشسراها در نقاط مختلف کشور .
- ۱۰ - تجدید نظر در قانون انتخابات .
- ۱۱ - تهیه برنامه چندساله برای توسعه و ترقی کشاورزی و صنعتی در همه نقاط کشور
و تقدیم لوایح مربوط بمجلس شورای ملی .

اعلام جرم

بر علیه آقای محمود بدر

در اواخر دوره چهاردهم دکتر مصدق نسبت با آقای محمود بدر وزیر دارائی
کابینه صدر الاشراف دو اعلام جرم نمود که چون در کمیسیون های عراض و عدلیه
بیش از مدت قانونی ماند و دوره چهارده خاتمه یافت در مجلس مطرح نشد و
بلا تکلیف ماند .

نگارنده و بسیاری از هموطنان از دکتر مصدق شنیده ایم که میگفت : « اینک
اعلام جرائم بدین و مهملی هم در مجلس مطرح و بدیوان کشور ارجاع -
نشده بود و رعبی که مردم از آن دیوان داشتند ازین نیرفت مردم چنین تصور میکردند
که اگر روزی سروکار وزراء بدیوان کشور افتاد وزیران متجاوز و خلاف کار به
کیفر اعمال خود میرسند و اجرای اصل مجازات موجب ترقی و سعادت جامعه خواهد



آقای محمود بدر وزیر دارائی
در کابینه صدرالایراق

شد ولی محاکمه سهیلی و تدبیر ثابت نمود آن چیزی که در ایران نیست اجرای اصل مجازات است و راضی هستند از اینکه آقای محمود بدر بحال اتهام بنقی مانند دیوان کشور او را تبرئه نمود - اگر اعلام جرائم دکتر مصدق معاً مفید واقع نشد مادام این اثر را داشت که دولت از تصرف دادن ملک خیرآباد با آقای ابوطالب شیروانی (بنان السلطان) مدیر روزنامه میهن خودداری کرد - اینک شرح این دو اعلام جرم و نطق های دکتر مصدق را با استحضار خوانندگان محترم میرسانیم :

۱- اعلام جرم راجع بخیرآباد خالصه

نقل از مذاکرات مجلس شماره ۲۱۹ مورخ ۲۱ آبانماه ۳۲۴ صفحه ۷۲۰
دکتر مصدق - بنده قبلاً میخواستم عرض کنم اگر دوسه جلسه شرفیاب نشدم بواسطه کسالت بوده و حالاً هم بکفتری کسالت دارم و از آقایان اجازه می خواهم دوسه جلسه بنده را مرخص بفرمایند که بنده استراحت کنم فعلاً عرایضی که دارم یکی راجع به مسئله خیرآباد است .

مجلس شورای ملی!

۱۶ قره املاک مرحوم صولت الدوله قشقایی واقع در سمیرم علیای فارس که در ارزیابی غیرآزاد مبلغ ۱۹۴۷۱ تومان قیمت شده بود دولت تصرف نمود و در سال ۱۳۱۳ زمان وزارت دارائی مرحوم داور آقای ابوطالب شیروانی مدیر روزنامه میهن املاک نامبرده را بطریق مزایده مبلغ ۲۰۷۶۴ تومان از دولت خریداری نموده اند که یک چهارم آنرا نقد و بقیه را مدت پنج سال به پنج قسط متساوی تأدیه نمایند (سند شماره ۶۰۵ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۵ شیراز) تا زمانی که «داور» حیات داشت وزارت دارائی نتوانست از حقیقت این معامله سردر پیابد و فقط پس از فوت او مرحوم محمود پرورش در سال ۱۳۱۵ دستور داد که املاک مزبور را ارزیابی کنند؛ نام آقای ابوالحسن قاضی نوری بازرس وزارت و مأمور ارزیابی (پرونده برک ۲۳) و گزارش آقای مجید زاده متکی باظهارات آقای قاضی نوری (پرونده برک ۲۷) حاکی است که «معاملاً کاملاً بزیان دولت و شاید در حدود ده برابر کمتر از بهاء حقیقی صورت گرفته است و وضع املاک طوری نبود که گنجایش آبادی بیشتری را داشته باشد مگر اینکه ثابت شود بعداً عمارات و ابنیه ساختمان کرده است متأسفانه در این مدت در این معامله اقدامی نشده است»

بنابراین میتوان گفت که غیر از زحمت تهیه قسط اول آقای شیروانی زحمت دیگری نداشته و از معصوم خود حواله تأدیه اقساط پنج گانه را صادر نموده اند .

من عرض نمیکنم که اطلاعات و عملیات آقای شیروانی در امور کشاورزی تا چه اندازه بود که توانست اند از ملکی که ۲۰ هزار تومان خریده اند در سال ۷۵ هزار تومان عایدی بردارند زیرا در نامه ۵ تیرماه ۱۳۲۴ بوزارت دارائی مینویسند «ناصر و خسرو تشائی سالی ۱۵۰ هزار تومان محصول املاک مرا که قسمت عمده این املاک را از دولت خریده ام برده اند» (پوررضا - دیوخ گفته است) (پرونده برک ۲۹) فقط عرض میکنم اگر ایشان میخواسته ملکی را بهیئت حقیقی آن معامله کنند حاضر نمیشدند که پول حلال خود را بدهند و املاکی را که نصیبت آن بر احدی پوشیده نبود تمليك نمایند زیرا نه ارزیابی بطور آزاد و بوسیله کارشناسان مرضی الطرفین بوده و نه پس از ارزیابی بصحابان املاک بولجوبا ملکی در عوض داده اند !!

البته بعد از اینکه دولت معامله نمود و سند رسمی تنظیم کرد اظهار غین مورد نداشته و دولت فقط ضامن درک است و آقای شیروانی هم بیش از این برای خود حقى قائل نبوده اند و در نامه ۵ تیرماه ۱۳۲۴ که بوزارت دارائی فرستاده چنین نوشته اند :

«اینکه علاوه بر مسئولیت کلی و عمومی دولت وزارت دارائی نیز با فسادى که در معامله حادث شده مسئولیت حقوقی و مدنی داشته و باید از عهده غرامات اینجانب برآید ... چرا طبق قبایله و امضائیکه داده و خسارت ناشی از فساد معامله را تعهد کرده رفتار نمی نماید.»

بنا بر این فقط قانون مدنی است که باید اختلاف بین دولت و آقای شیروانی را مرتفع نماید و برای یاد آوری و تذکره موادیکه در قانون مزبور راجع بضمایم دولت مندرج است قرائت مینمایم.

ماده ۳۹۱: «در صورت مستحق للغير بر آمدن کل یا بعضی از مبیع باید تن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری بوجود فساد باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید.»

ماده ۳۹۳: «راجع بزیادتی که از عمل مشتری در مبیع حاصل شده مقررات ماده ۳۱۴ مجری خواهد بود.»

ماده ۳۱۴: «اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال منسوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادى را نخواهد داشت؛ مگر اینکه آن زیادتی عین باشد که در اینصورت عین زیاد متعلق بخود غاصب است.»

از آنچه به عرض رسید معلوم شد که چون آقای شیروانی از خرید ملک غصب علم بضاد داشته غیر از مطالبه تن حق دیگری بدولت ندارند.

وضعیت خیر آباد خالصه و رامین

از خیر آباد که یکی از بهترین املاک دولت واقع در ورامین و نزدیک شهر نهران است و آقای شیروانی آنرا در نامه ۲۹ مرداد ۱۳۲۴ مغرور به قلمداد کرده اند، (پرونده برک ۳۶) در سال ۱۳۲۳ مبلغ ۱۵۲۴۵ تومان تقو ۳۱۲ خروار گندم و ۲۰۲ خروار جو و ۶۸۲ خروار کاه و ۲۰ خروار پنجه خشک عاید دولت شده و پرونده حکایت میکند که فقط از بابت صیفی آنجا در سال مزبور مستأجر ۶۰ هزار تومان عمل برداشته است.

آقای مجید زاده در گزارش خود چنین مینویسد: «قریه خیر آباد در سال ۱۳۱۷ ضمن سایر خالصجات در اجرای قانون فروش املاک خالصه بطور آزاد و بوسیله اشخاص بصیر

ومورد اطمینان ببلغ ۸۸۹۵۱ تومان ارزیابی شده بود که در همان سال بطور غیر آزاد
بفیت فروش باعلیحضرت سابق در مبلغ ۱۹۹۹۹ تومان و هفت ریالاً تعویب گردیده و برگهای



آقای مجیدزاده، مدیر کل ملی
وزارت دارائی

هر دو ارزیابی در يك پرونده وصل بهم بايگانی شده؛ (پرونده
برك ۱۹۰) در صورتیکه مأمورین وزارت دارائی اخیراً خبر آباد
را ارزیابی نموده و پس از وضع صدی ده که از بابت هزینه
برداشت حساب شده آنجا را ببلغ ۵۰۰ هزار تومان قیمت
کرده اند (پرونده برك ۳) و چون نقد و بیست جنسی مال الاجاره
قریه مزبور با تسعیر ضلعي بیش از ۴۰ هزار تومان است مسلماً
بیش از ۵۰۰ هزار تومان ارزش دارد؛ در اینصورت معلوم نیست
آقای بدر از چه نظر حاضر شدند چنین ملکي را در مقابل قریب
۶۱ هزار تومان که دولت باقاي شیروانی بیشتر مقروض نیست
معامله کنند و برای اجرای مقصود خود پیشنهاد ذیل را باقاي
نخست وزیر سابق تقدیم نمایند؛ (پرونده برك ۱۶۹)

۲۸ مرداد ۱۳۲۴ شماره ۱۱۷۵۷۲۴۴

جناب آقای نخست وزیر!!

آقای ابوطالب شیروانی در سال ۱۳۱۳-۱۶ فقره املاك تعویب نشده قشقاچیا را
در سیرم علیا با شرکت در مزایده و حائز شدن حد اکثر از وزارت دارائی خریداری نموده
و تا حادثه شهریور ۱۳۲۰ در تصرف داشته و از آن تاریخ بجهت قشقاچیا املاك واقع در سیرم
را متصرف شده و آقای شیروانی دیگر نتوانسته است در این املاك مداخله نماید و چون در
سند فروش دولت ضامن درك بوده تفلیضاً نموده اند بعوض این املاك املاك دیگری بایشان
داده شود پس از طرح تقاضای ایشان در کمیسیون رسیدگی باملاك قشقاچیا این کمیسیون
نظر داد در عوض املاك سیرم علیا باقاي شیروانی ملك دیگری داده شود و بالتبعیه قریه
خیرآباد واقع در ورآمین که در سال ۱۷ ارزیابی شده بود و با بهای املاك خریداری آقای-
شیروانی در سیرم علیا در سال ۱۳۱۳ خریدار لحاظ قیمت مطایفه دارد برای ایشان در نظر گرفته
شده و اینك طرح تصویب آن تقدیم میشود تا در صورت موافقت در هیئت وزیران مطرح
و تصویب آن بوزارت دارائی ابلاغ شود تا پس از تصویب قانون تعویب املاك از مجلس-
شورای ملی به تنظیم و تبادل سند تبیی اقدام مقتضی بعمل آید وزیر دارائی

و همچنین معلوم نیست که آقای صدر با اطلاعاتیکه از قانون مدنی دارند چرا با چنین
پیشنهاداتی که مخالف قانون و صلاح دولت است موافقت کرده اند؟!.....

در سال ۱۳۰۰ که اینجانب وزیر مالیه بودم کمیسیتی بضمیت سه نفر مرحوم میر-
الملك و فرزند و آقای مفتاح الملك برای رسیدگی بدوسیه های کارمندان تشکیل شد که
دوسیه آقای بدر را ادراج بسحاکات نمود و چون عمر وزارت من کوتاه بود ندانستم قضیه
بچه ترتیب گذشت.

در این پیشنهاد آقای بدر قضیه را طوری تحت لفافه برده و مبهم نوشته اند که در
جله ۵ مهرماه مجلس شورای ملی که اینجانب راجع بخیرآباد توضیحاتی دادم بعضی از وزراء

امضاء کننده تصویبنامه که حاضر در مجلس بودند متعجب و مبهور شدند.

من یقین دارم اگر در پیشنهاد نوشته شده بود که در سال ۱۳۱۷ موقع فروش املاک خالصه و در ارزیابی آزاد خیر آباد قریب ۹۰ هزار تومان قیمت شده و با اینکه از نظر معامله با شاه سابق آنجا را قریب ۲۰ هزار تومان ارزیابی کرده اند چون همه میدانستند که معامله شاه سابق با مردم این ملک معامله پدر فرزندی بود (خنده نمایندگان) بعضی از وزراء که متوجه نبودند از امضای تصویبنامه خودداری میکردند. اکنون بیینیم تصویبنامه ای که با امضای نخست وزیر و وزراء سابق رسیده بچه مضمون صادر شده است:

بتاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۲۴ شماره ۱۱۶۱۴.

وزارت دارائی - هیئت وزیران در جلسه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۲۵ بنا بر پیشنهاد شماره ۱۵۹۲۲-۱۱۷۵۷۴۴۴۶۵۴ وزارت دارائی تصویب نمودند بعضی املاک سپهر علیا که وزارت دارائی در سال ۱۳۱۳ با آقای ابوالقاسم شیروانی فروخته و اکنون ضمن سایر املاک قشاقیها بتصرف آنها درآمده است قریب خیر آباد واقع در بلوک ورامین که از لحاظ قیمت با بهای املاک سپهر علیا قریباً مطابقت دارد با آقای شیروانی واگذار و نیز محصول سال جاری قریب مزبور را هم در قبائل محصول املاک سپهر علیا در اختیار ایشان بگذارند. انجام تشریفات و واگذاری قطعی قریب مزبور و همچنین مبادله اسناد لازمه موکول بگذشتن قانون نویسی املاک از مجلس شورای ملی خواهد بود.

این تصویبنامه بقدری مبتذل و برخلاف مصالح بوده که آنرا در روزنامه رسمی هم منتشر نگردانند ...

نتیجه

نظریاتی که عملیات آقای بدر طبق ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی که بشرح ذیل است جرم شناخته میشود:

« هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی که عهده دار خرید و فروش یا ساختن چیزی یا آمر ساختن آن برای دولت بوده است بواسطه تدلیس در خرید یا فروش یا در تعیین مقدار یا صفت آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد علاوه بر استرداد آنچه تحصیل کرده بنادیه غرامتی معادل ضعف آن محکوم خواهد شد، اگر مستخدم دولتی باشد علاوه مجازات فوق از يك تا هفت سال از خدمت دولت منقصل خواهد گشت. »

از مجلس شورای ملی درخواست میکنم که نضیه را بکمیسیون عرایض و دادگستری ارجاع فرمایند تا نظریات خود را بر طبق ماده ۳ و ۴ قانون معاکه وزراء در مدت ۴۵ روز اظهار نمایند.

گزارش کمیسیون عرایض

راجع باعلام جرم بر علیه آقای بدر

در جلسه هیجدهم آذر که کمیسیون عرایض و مرخصی در خصوص اعلام جرم بر علیه آقای بدر تقاضای ۱۵ روز تمدید نموده بود دکتر مصدق بیانات ذیل را نمود

که از شماره ۲۴۳ مذاکرات مجلس مورخ ۲۰ آذر ۱۳۲۴ صفحه ۴۸۰ نقل میشود
نایب رئیس - تقاضای کمیسیون عرایض برای باززده روز تمدید در خصوص اعلام
 جرم آقای دکتر مصدق قرائت می شود. (بشرح آتی قرائت شد)

۶ آذر ۱۳۲۴

مقام محترم مجلس شورای ملی:

اعلامیه جرم آقای دکتر مصدق علیه آقای بدر وزیر سابق داری نسبت به معامله
 املاک سمیرم مرحوم صولت الدوله به کمیسیون رسید و مستندات مندرجه و اعلامیه را هم از
 وزارت دارایی خواستیم و از آن مقام محترم و این بنده نیز یاد آوری های کتبی و شفاهی
 با آقایان اعضاء کمیسیون شد که کمیسیون تشکیل و در مدت قانونی و وظیفه خود را انجام دهد
 ولی حوادث اخیر کشور بطوری خاطر آقایان را مشغول داشته که همه نتوانسته اند در موقع
 مقرر حاضر شوند علاوه دوفر از ایشان هم مسافر بوده اند اینک از باززده روز قانونی فقط
 دوز روز باقی است و البته برای مطالعه دقیق کافی نخواهد بود لذا در صورتی که مقتضی و
 لازم بداندتد ممکن است ۱۵ روز تمدید مدت شود و آقایان اعضاء نیز کمیسیون را با کسریت
 تشکیل دهند تا در حدود قانون رسیدگی ممکن شود و نتیجه برض مجلس شورای ملی برسد

محمد طباطبائی - بنده مخالفم .

نایب رئیس - آقای امام جمعه .

امام جمعه - اساسا طرح این گزارش موردی ندارد برای اینکه دوازده روز قبل
 بمجلس تقدیم شده بود و چند مرتبه بنده تذکر دادم و موفق نشدم و بطوری که مستحضرید
 از مدت کمیسیون دوز روز بیشتر باقی نیست و بایستی تجدید انتخاب شود .
حاذقی - دستور بفرمائید از شعب و از مجلس انتخاب کنند اعضاء را که کمیسیون
 تشکیل شود .

نایب رئیس - همین طوری که آقای امام جمعه رئیس کمیسیون تذکر دادند این
 تقاضا را ۱۲ روز قبل داده بودند و در جلسه آتی مدت قانونی کمیسیون عرایض و مرخصی و
 یکی دو کمیسیون دیگر مجلس قانونا منتقضی میشود و باید در جلسه آتی شعب در مجلس
 انتخاب بشوند و این کمیسیونها از نو انتخاب بشوند بنا بر این اگر آقایان موافقت میفرمائید
 این را امروز از دستور خارج کنیم تا اینکه جلسه آتی که شعب تشکیل شد کمیسیون عرایض
 از نو تشکیل شود و اصلا محتاج به تمدید مدت نخواهد بود . کمیسیون مدتش سه ماه
 خواهد بود و این موضوع هم رسیدگی میشود .

پیشنهادی از آقای دکتر مصدق رسیده که قرائت میشود : پیشنهاد می کنم که ده

روز تمدید بشود .

دکتر مصدق - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - بفرمائید ولی لزومی ندارد .

دکتر مصدق - چرا ؟

نایب رئیس - برای اینکه از مدت کمیسیون دوز روز بیشتر باقی نیست .

دکتر مصدق - کمیسیون عرایض باید در مدت ۱۰ روز با اعلام جرم رسیدگی کند

الان دو اعلام جرم در کمیسیون عرایض هست و یکی هم قبل از بنده آقای مهندس فریور - داده اند که در آنجاست (مهندس فریور - روی میز آقای رئیس است) و تکلیفش معلوم نیست قانوناً کمیسیون باید در ۱۵ روز اظهار عقیده بکند بنده از آقای امام جمعه پرسیدم علت اینکه کمیسیون تشکیل نشد و اظهار عقیده نکرده اند روی چه اصلی بوده؟! فرمودند که در هر دفته بکنفر از اعضاء به توبت نیامدند چون کمیسیون عرایض ۶ نفر عضو دارد و دو نفر مسافر هستند بکنفر که هر دفته نباید کمیسیون عرایض تشکیل نخواهد شد باین جهت بنده تصور می کنم تا آخر این دوره اگر ۴۰ جلد دیگر داشته باشیم یعنی دو ماه و نیم دیگر اگر باین شکل باشد تمام این اعلام جرائمی که در کمیسیونها است اساساً صورت تبرئه پیدا میکند، کمیسیونها اینطور فکر کردند که چرا یک کسی را تبرئه بکنند و بدنام بشوند، اصلاً کمیسیون تشکیل نمیدهند، اساساً مرور زمان این متهمان را تبرئه می کند، اینها هم نام نیکشان از بین نبرود، در جامعه هم سر بلند هستند بنده این را میخواستم عرض بکنم این وضع مجلس شورای ملی، ملت و تمام مردم را مأیوس کرده است (صحیح است) در مجلس شورای ملی چرا بایستی ۱۷ ماه چندین اعلام جرم در کمیسیون عدلیه و کمیسیون دادگستری مدفون بشود عفتش چیست؟! اگر یکی از این آقایان اعضاء کمیسیون یا منبر کمیسیون یا نایب رئیس کمیسیون آقای دکتر عبده بر خیزند جواب بدهند که چرا اینطور شده و برای چه در کمیسیون دادگستری چندین اعلام جرم ۱۷ ماه مدفون شده این باید علت داشته باشد، باید علت این را به مردم گفت شما ملاحظه فرمائید به بنید دادگستری شما همین رویه را تقییب می کنید، شما امروز دادگستری ندارید هیچکس به دادگستری جرأت اینکه عرض حال بنده، ندارد (صحیح است) دیوان کشور شما همین اعلام جرم تدین را که راجع به بنده عباس است و در ۲۲ تیرماه ۱۳۲۳ که مجلس راجع باین اعلام جرم اظهار عقیده کرد و بسدیوان کشور مراجعه کرد تا امروز هیچ اقدامی نکرده !!.....

در جلد ۱۱ دیماه ۱۳۲۴

باز در جلد ۱۱ دیماه ۱۳۲۴ دکتر مصدق ضمن نطق قبل از دستور در مورد اعلام جرم نسبت با آقای بدر بیاناتی نمود که از شماره ۳۶۰ مجله مذاکرات مجلس صفحه ۹۶۰ در ذیل نقل میشود:

دکتر مصدق..... عرض دیگر در جلسه پنج دیماه که گزارش کمیسیون عرایض برای تمدید مدت رسیدگی با اعلام جرم من نسبت با آقای محمود بدر وزیر سابق دارائی مطرح بود یکی از نمایندگان حاضران نمود که کمیسیون عرایض قیمت خیر آباد و طلب آقای شیروانی را دقیقاً معلوم کند تا مطلب بر عامه روشن و واضح شود، برای اینکه کوچکترین شك و تردیدی در اعلام جرم من نکنند بطور اختصار عرض می کنم که در دوره دیکتاتوری آقای شیروانی مدیر روزنامه مبین املاک مرحوم مولت الدوله واقع در سیریم را که مالک آن زندانی و دولت بدون دادن پول و یا عوض تصرف کرده بود بموجب سند رسمی شماره ۶۰۵ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۵ شیراز از دولت خریداری نمود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که آن دوره خانه پیدا کرد و مالکین حقیقی آزاد شدند املاک خود را تصرف نمودند چون دولت ضامن دولت است طبق ماده ۳۹۱ و ۳۹۳ و ۳۱۴ قانون مدنی میبایست مبلغ ۲۰۷۶۳ تومان تن معامله را با آقای شیروانی رد کند.

بجای اینکار آقای بدرقریه خیرآباد خالصه ورامین را که قریب بیست میلیون تومان ارزش دارد با آقای شیروانی واگذار کرده است؛ چون آقای بدر بتمام وزارت رسیده اند من نتوانستم ایشان را برتبه معاونت تنزل دهم و در اعلام جرمی که در ۲۰ آبان ماه بمجلس تقدیم نموده ام اورا فقط مجرم و مشمول ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی دانسته ام ولی پس از قرائت لایحه دفاعیه ای که در ۱۴ آذرماه بکمسیون عرایض داده اند لازم شد عمل ایشان را باماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی راجع بمعاملات غرری وماده ۲۳۸ و ۲۸ راجع به کلاهبرداری ومعاونت مجرم تصبیق وایشان را هم مجرم وهم معاون آقای شیروانی در این جلسه معرفی کنم. در این دوره که من وارد مجلس شدم میتوانستم برای انجام وظیفه از دو رویه یکی راء انتخاب کنم یا اینکه خود خلافتکاری نکنم و متعرض خلافتکاران هم نشوم و نظریات همه را نسبت بخود جلب کنم که این همان طریقی است که عرفی شاعر ارائه کرده و گفته است: «چنان با مردمان خو کن که بعد از مردنت عرفی - مصلحت بزمزم شوید و هندو بسوزانند» و یا این که همان رویه سابق خود را که سرحاح لہجہ و اظهار عقیده هر وقت که نفع جامعه ایجاب میکند تعقیب کنم، چون اوضاع ناگوار مملکت اقتضا نمی کرد منکه در تمام عمر شاگرد دبستان عرفی نبوده ام در این آخر عمر وارد این دبستان بشوم بهتر آن - دانستم که همان رویه سابق خود را از دست ندهم؛ من بآنها می گفتم که در موقع اوبشر کیون میگفتند بین اکثریت و اقلیت مجلس مطالبی روی داده که باید خودشان رفع اختلاف کنند ایراد می کنم و یقین دارم که این قبیل اشخاص که فاقد رشد ملی هستند نمیتوانند کوچکترین خدمتی بسلکت بشایند زیرا اختلاف این دودسته جنبه شخصی نداشت که مردم تماشاچی باشند و بیطرف بمانند و مربوط بقضایای مهم مملکت بود که هر کس بهربک از صرفین عقیده داشت میبایست از آن طرف حمایت و آنرا در پیشرفت نظر بانش تقویت نماید.

در این مملکت هیچکس بقدر من از روزنامهها بدو ناسزا نشنیده است منکه برای اصلاح مملکت حاضر بچنان بازی شده ام از ناسزا و توهین وحتى ضرب و شتم که از درجات اولیه فداکاری است نباید هراس کنم.

طبق قوه ۲۹ از ماده ۲۰ آیین نامه دادگاه نظامی موقت و ماده ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ قانون مطبوعات من میتوانم روزنامه میهن و مدیر آن را تعقیب کنم؛ از دادگاه بمن تلقین کردند ولی نتوانستم این کار را بکنم همه میدانند که عده زیادی از روزنامه ها برای حمایت خلافتکاری صاحب خود و با حمایت از خلافتکاری دیگران تاسیس شده است که من این روزنامه ها را بطیانچه جیب دزد تشبیه می کنم همانطور که دزد برای دفاع از خود اسلحه میخواند تا او را که هر وقت بخواهند دستگیر کنند بآن وسیله خود را خلاص کند این قبیل روزنامه ها هم از این نظر تاسیس میشوند که بخودی و بیگانه فحش و ناسزا بدهند و باین طریق تقویت از خلافتکاری صاحب خود و با از خلافتکارانی که اجرت میدهند بنمایند (صحیح است) که در حقیقت باعث تنگ مطبوعاتند (صحیح است) و هر وقت که بمطبوعات ما یعنی رکن چهارم مشروطیت بخواهند لطمه وارد کنند بهانه متدرجات این روزنامه ها را قرار میدهند و باین بهانه ممکن است از ماسلب آزادی کنند.

من بر روزنامه هائی که من وامثالم را عوام قریب معرفی می کنند هیچ ارزش نمیدهم و خلاصه ای از مذاکرات خود را با مرحوم مشیرالدوله راجع بعوام قریبی در این جلسه نقل می کنم:

مرحوم مستوفی و مرحوم مشیرالدوله و جناب آقای حسین پیرنیا (موسس الملک)

عادت نداشتند که در مجلس شورای ملی اظهار عقیده کنند نتیجه این بود که از حضور آنها در مجلس دولت ضرر نمی‌کرد و استفاده هم میبرد زیرا عضویت آنها در مجلس سبب میشد که بنحویه قضیه وزنی بنهد و آنرا بجامعه «مجلس ملی» معرفی کند لذا در دوره هفتم قضیه که دولت در انتخابات طهران دخالت نمود بعضی‌ها از قبیل مدرس انتخاب نشدند ولی آقایان نامبرده انتخاب شدند روزی مرحوم مشیرالدوله بمن فرمودند در موقع انتخابات هر کس خواست عقیده مرا استنباط کند اظهاری نمودم تا انتخابات که تمام شد بواسطه عدم قبول نمایندگی بطلان آنرا ثابت کنم - من واسطه بودم که مرحومان جنت مکان منزل آقای موتمن - الملك بروند و باهم نسبت باستعلام حاکم طهران راجع بقبول و کالت و یارد آن اتفاق تصمیم کنند و نتیجه آن جلسه این شد که بحکومت تهران کتباً جواب منعی دهند - مرحوم مشیرالدوله و جناب آقای موتمن الملك همینطور عمل نمودند ولی مرحوم مستوفی سکوت اختیار نمود و بواسطه نرفتن بمجلس عملارد کرد، مرحوم مشیرالدوله فرمود که آقای مستوفی بوعده خود وفا نمود عرض کردم که هواخواهان دولت میگویند شما هم خوب بود «عوام - فریبی» نمیکردید و شاه را از خود مکدر نینمودید، فرمود نظر شما چیست عرض کردم چون آقای مستوفی از شاه کار قبول کرده بود بقدر شما سرمایه نداشت که و کالت شاه را صراحتاً و کتباً رد کند همچنانکه آقای مستوفی با آقای وثوق الدوله مذاکره نمود گسه ایشان هم بمجلس نروند و با این دسته همکاری کنند جواب آقای وثوق الدوله این بود: «از فرط گرفتاری نمیتوانم انتخاب دولت را قبول نکنم» از قبول و یارد نمایندگی هر کس نظری داشت نظر مرحوم مشیرالدوله این بود که بطلان انتخابات را کتباً ثابت کند تا اگر بک قرارداد بین - المللی بر ضرر ملت منعقد شد رسمیت پیدا نکند ولی نظر دیگران از قبول نمایندگی این بود که صاحب آلاف و الواف بشوند کما اینکه شده اند و باهر سازی رقصیده و جامعه را با اینصورت در آورده اند !!.....

در جلسه ۱۹ دیماه ۱۳۲۴

در جلسه ۱۹ دیماه باز دکتر مصدق راجع باعلام جرم نسبت با آقای بدر توضیحی داد

داد که از شماره ۲۶۷ مذاکرات مجلس صفحه ۹۹۱ عیناً نقل مینمائیم :

دکتر مصدق - چون نمیتوانم در خصوص گزارش کمیسیون دادگستری راجع باعلام جرمی که بر علیه آقای بدر کرده ام اظهاری بکنم (یکنفر از نمایندگان - هنوز نیامده) بلی نیامده چون دیگر نمیشود صحبت بکنم موقع را منتهی میشمارم که عرض کنم از این کمیسیون دادگستری هم غیر از این نظریه که اظهار فرمودند انتظاری نبود (حادثی - کمیسیون عرایض!) بلی کمیسیون عرایض بنده اگر بخوام محافظه کاری بکنم - ملاحظه کاری بکنم نباید بیچکس حرفی بزنم و سخنی بگویم (یکنفر از نمایندگان - کمیسیون عرایض هنوز نداده) داده آقا خوب بنده چون اینطور شنیدم اگر هم نداده چون آن موقع نمیتوانم صحبت بکنم چون گزارش کمیسیون عرایض هیچ مذاکره ندارد بموجب ماده قانون و باید همینطور یارد باشد یا قبول باشد میروم بکمیسیون دادگستری این است که میخواهم دو کلمه حرف بزنم - بنده راجع باین اعلام جرمی که کرده بودم روی دوماده از مواد قانون جزائی قرارداد بودم یکی راجع بماده ۲۳۸ است که می نویسد: «هر کس بوسائل قلبی متوسل شود برای این که مقداری از مال دیگری را ببرد... بحسب تأدیبی از ششماه تا دو سال

و یا بتأدیه غرامت پنجاه الی پانصد تومان و یا بهر دو مجازات محکوم خواهد شد و اگر شروع باینکار کرده ولی تمام نکرده باشد بعین تأدیهی از دو ماه تا یکسال و یا غرامت از بیست الی دوست تومان محکوم خواهد شد و ممکن است در صورت تکرار مرتکب را در مدت يك تا پنجسال از اقامت در محل مخصوصی منع نمود. « يك معامله واقع شده برای چه؟ برای این که يك کسی حقایست هزار و هفتصد و شصت و سه تومان طلب از دولت داشته است اینجا باید دولت باویست هزار و هفتصد و شصت و سه تومان بدهد آیا آن کسیکه میآید عوض این مبلغ ۲۰۷۶۳ تومان يك ملكی را که لااقل امروز بین پانصد و يك میلیون تومان قیمت دارد میدهد این کلاهبرداری نیست؟ آقا این پس چیست؟ من میخواهم مفهوم کلاهبرداری را بدانم؛ کلاهبرداری این است که يك کسی مالی را از يك کسی یا اینکه حق نداشته است ببرد و يك حرفی هم بزند که مردم را اغفال بکنند در کاغذهای برنده این مال (شما در همین دو سه ببینید) میتویسد:

«خیر آباد مغروبه يك ملكی که ۷۰۰۰۰۰ تومان قیمت داشته باشد» این را کسی مغروبه میگوید يك ملكی که بین پنجاه تا صد هزار تومان در سال عمل میکند این ملك مغروبه است؛ بعد در قسمت کلاهبرداری این ماده میگوید اگر شروع باین کار کرده ولی تمام نکرده باشد. این «تمام نکرده باشد» یعنی چه؟ یعنی شروع کرد و تصویب نامه را صادر کرد و قرار هم شد که محصول این ملك را باین شخص بدهند آنوقت يك کسی آمد گفت تصویب نامه را جلوی من امیگیرم. پس این شخص شروع کرده ولی تمام نشده و تصویب نکرده که ملك را بدهد و سند رسمی نگرفت:

طبق ماده ۲۳۸ کلاهبرداری و جرم است و لولاینکه این کار تمام نشده باشد. این راجع باین ماده اما راجع بماده ۱۵۳ که میگوید: «هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی و اشخاصی که عهده دار خرید یا فروش یا ساختنش باشد نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد علاوه بر استرداد آنچه که تحصیل کرده بتأدیه غرامتی معادل نصف آن محکوم خواهد شد و اگر مستخدم دولتی باشد علاوه مجازات فوق از يك تا هفت سال از خدمت دولت منقصل خواهد گشت. «- آن قسمت ماده ۲۳۸ مربوط باین بود که خریدار مجرم است و معاون جرم کسی دیگر بوده است ولی در قسمت دیگر که مربوط بماده ۱۵۳ است وزیر خودش مجرم است بجهت اینکه وزیر يك مالی را که ۷۰۰۰۰۰ تومان قیمت دارد بیک کسی در مقابل ۲۰۷۶۳ تومان فروخته، ماده بیستم میگوید: «هر گاه کسی قصد جنایتی کرد و شروع باجرایی آن بنماید بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلت نداشته قصدش معلق یا بی اثر بماند و جنایت منظوره واقع نشود مرتکب بعد اقل مجازاتی که بنفس جنایت مقرر است محکوم خواهد شد و اگر مجازات جنایت اعدام باشد مرتکب بعین غیر دائم بااعمال شاقه محکوم میشود» خوب يك وزیر آمد و در مقابل ۲۰۷۶۳ تومان يك ملكی که ۷۰۰۰۰۰ تومان قیمت دارد خواست بدهد تصویب نامه اش هم صادر شد این آمد در وزارت دارائی که این ملك را تصرف کند يك کسی مجش را گرفت و گفت نمیکند ام تصرف کنی این مثل چیست؟ این مثل دزدی است که میآید در خانه اسباب خانه را جمع- آوری میکند اینجا نیت خودش را اجراء کرده بعد بخواهد ببرد اسباب را از دستش بگیرند و نتواند ببرد این مشمول ماده قانون جزائی است برای اینکه دزد که خودش انصراف حال نکرده که این مال را ببیل خودش زمین بگذارد و بگوید من مال این آدم را که میخواهم ببرم نمیبرم يك کسی مچ دست دزد را گرفت مال را از دستش گرفت، این مشمول ماده ۲۰

گزارش کمیسیون عرایض ۱۷۸
 قانون مجازات عمومی است پس بنده خواهش میکنم که آقایان اعضاء کمیسیون عرایض و
 مرخصی این عرایض بنده را متوجه بشوند و اگر این راپورت را هنوز نداده اند اگر میخواهند
 بدهند درش تجدید نظر بکنند

گزارش کمیسیون عرایض

در جلسه ۲۹ دیماه ۱۳۲۴ گزارش کمیسیون عرایض راجع باعلام جرم «خیر آباد»
 بشرح ذیل قرائت شد :

مجلس شورای ملی ۱

کمیسیون عرایض و مرخصی پس از دریافت پرونده اعلام جرم آقای دکتر مصدق
 نماینده محترم مجلس شورای ملی بر علیه آقای محمود بدر وزیر سابق دارائی طی چند جلسه
 اخیر خود موضوع را مورد رسیدگی دقیق قرار داده و پس از تحقیقات لازم در محتویات
 پرونده امر که خلاصه آن بضمیمه این گزارش است در جلسه پنجشنبه ۲۰ ر ۲۴ با اکثریت
 رأی خود را مبتنی بر عدم لزوم ادامه تحقیقات در این خصوص صادر و اینک گزارش آنرا
 بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد . (مذاکرات مجلس شماره ۲۷۵ صفحه ۱۰۳)

رئیس - بکمیسیون دادگستری ارجاع میشود .

۴ - اعلام جرم راجع بمواضعه باسهیلی

غیر از اعلام جرم راجع به خیر آباد خلاصه نماینده اول تهران در جلسه اول
 بهمن ۱۳۲۴ اعلام جرم دیگری بر علیه بدر بمجلس تقدیم نمود و این اعلام جرم در اثر
 بدست آمدن مدارکی بود که نشان میداد آقای محمود بدر در خرید غیر قانونی اشیاء
 وزارت خارجه با آقای سهیلی تباری و مواضعه داشته و شریک جرم او بوده است اینک
 متن اعلام جرم و نطق دکتر مصدق از شماره ۲۷۷ مذاکرات مجلس مورخ دوم
 بهمن ماه ۱۳۲۴ صفحه ۱۰۴۰ نقل میشود :

نایب رئیس - يك اعلام جرمی هم از طرف آقای دکتر مصدق رسیده است که
 آنهم قرائت میشود .

در این موقع (یکساعت بعد از ظهر) آقای نایب رئیس صندلی ریاست را ترك و
 آقای رئیس اشغال نمودند ، (متن اعلام جرم بشرح زیر قرائت شد)
 ریاست محترم مجلس شورای ملی ؟

کمیسیون دادگستری در جلسه اخیر خود آقای سهیلی را برای خریداری اثنایه وزارت
 خارجه طبق ماده ۱۵۲ قانون کیفر عمومی مجرم شناخته و رأی به تعقیب مشارالیه داده چون
 آقای بدر وزیر دارائی وقت طبق پرونده، فروشنده اثنایه بوده و باتباری و مواضعه قبلی که
 با آقای سهیلی بعمل آمده اثنایه را بضرر دولت با آقای سهیلی فروخته آقای بدر هم شریک جرم
 شناخته میشود لذا طبق ماده مزبور نسبت با آقای بدر اعلام جرم مینمایم . دکتر مصدق

رئیس - بکمیسیون عرایض ارجاع میشود .

کابینه دوم حکیمی

مجلس شورای ملی در جلسه دوم آبانماه ۱۳۲۴ با کثرت ۷۵ رأی تمایل خود را با آقای حکیم الملک اظهار نمود و نخست وزیر دولت خود را روز دوازدهم به پیشگاه ملوکانه و سیزدهم دیماه بمجلس شورای ملی معرفی کرد و چون بانقضای دوره ۱۴ مدت زیادی نمانده بود از نمایندگان اقلیت هم بعضی در رأی تمایل شرکت نمودند و مقصودشان این بود که دولت از اشخاص مورد توجه تمام دستجات تشکیل شود و به نخست وزیر هم تذکر دادند که در انتخاب وزیر کشور مخصوصاً دقت بیشتری بشود ولی رفتار اکثریت یا کابینه اول نخست وزیر سبب شد که آقای حکیمی پستهای حساس خصوصاً وزارت کشور را با اشخاص مورد توجه اکثریت بدهند و بهمین جهت هم این مرتبه برنامه دولت از مجلس گذشت ولی چون نمایندگان اقلیت از رویه دولت نگران بودند دولت حکیمی درام نمود و در اول بهمین سقوط کرد و چون اقلیت ۳۲ نفری که از نظر اوستر و کیون با کابینه صدر تشکیل شده بود پس از سقوط آن منحل گردید و در مجلس هم غیر از فراکسیون حزب نوده اقلیت منظم و مشکلی نبود که دارای عشی ثابتی باشد و رویه‌ای که مورد توجه عامه باشد تعقیب کند و نطقهای دکتر مصدق کاشف از نیات و سلیقه آن عده از نمایندگان بود که بهیچ سیاستی متمایل نبوده‌اند لذا بیانات نماینده اول تهران پرتیبی که در جلسات علنی مجلس شورای ملی شده باستحضار خوانندگان محترم میرسد

در جلسه ۲۰ آبانماه ۱۳۲۴ دکتر مصدق در خصوص تشکیل دولت حکیمی و بعضی از وزراء آن و اعلام جرم بعلیه بدر اظهاراتی نمود که از مجله مذاکرات مجلس شماره ۲۱۹ صفحه ۲۲۱ و ۲۲۲ نقل میشود :

دکتر مصدق - يك عرايضي هم بنده دارم راجع به تشكيل كابينه كه بعضي از روزنامه ها نوشته بودند كه نمايندگان مجلس در تشكيل كابينه شركت داشتند چون بنده هم يكي از آن اشخاص بودم كه در روز اول در اين كار دخالت كردم ميخواستم عرض كنم كه ما بيجوجه در تشكيل كابينه شركت نكرده ايم و اگر نظرياتي ابراز كرده ايم باین

دلیل بود که آقای نخست وزیر توسط جناب آقای رئیس تقاضا فرمودند که عده از هیئت‌های مجلس هر کدام نماینده‌معین کنند و بفرستند تبادل نظر کنیم برای تشکیل دولت، نظر باینکه در موقع ابراز تمایل بنده خودم از اشخاصی بودم که رأی تمایل دادم و این اولین دولتی بود که در این مجلس بنده رأی تمایل بآن دادم و خواستم که دولت يك رأی کاملی داشته باشد و بتواند انشاء الله کار بکند و کارهای مملکت را اصلاح بکند بعضی از آقایان نمایندگان مایل نبودند که رأی تمایل بدهند باین دولت و من از آنها تقاضا کردم و خواهش کردم که شما رأی تمایل بدهید و اظهار تمایل بفرمائید و مایقین داریم که این دولت وضعیت شمال را بکلی اصلاح خواهد کرد (انشاء الله) نظراً از اول با دولت گذشته این بود که دولت يك طرفی نباشد خواهشیم دولتی نباشد که يك طرفی باشد، دولتی روی کار بیاید که بواسطه بیطرفی بتواند يك اصلاحاتی بکند این بود که آقایان هم عرایض من را قبول کردند و همه با اتفاق باین دولت رأی دادند (صحیح است) در تشکیل این دولت هم تقریباً اگر شرکتی کردیم باین ترتیب بود که صبح جناب آقای رئیس فرمودند که در تشکیل دولت رئیس دولت محتاج باین هستید که يك اشخاصی از هیئت‌ها معین شوند و با ایشان تبادل نظر کنند و همینطور هم تعیین شد و یکی از آن اشخاص بنده بودم و بنده هیچوقت در این کار شرکت نمی‌کردم فقط از نظر قولی که بآن چند نفر آقایان داده بودم گفتم اطاعت می‌کنم و شاید بتوانم نظر آقایان را تأمین بکنم این بود که قرار شد بروند منزل آقای نخست وزیر ما خودمان در همین مجلس نشستیم مذاکره کردیم اولین کاری که ما کردیم این بود که گفتیم ما يك وزیر کشوری می‌خواهیم که حقیقتاً بین دستجات مجلس همه باو اعتقاد داشته باشند بالاخره يك شخصی را خواستیم که آن شخص خودش قبول نکرد حالا برای چه قبول نکرد؟ صلاح ندید یا ناخوش بودند و کسالت داشتند نمی‌خواهم عرض کنم ولی نظراین بود که در این کابینه بتمام معنی يك اشخاصی باشند که هیچ رنگی نداشته باشند مابقی از اینکه در اشخاص کابینه مذاکره بکنیم گفتند که سه نفر هستند که حتماً باید در این کابینه باشند و در این باره اضهرای نیکنم و یکی از آنها که سی پررنک بود که هر قدر هم آب بر بزم روشن نیشود رنگش ولی بعد گفتیم که رئیس دولت است دلش می‌خواهد این شخص باشد بنده نظرم از اینکه پررنک هسته یا کم رنگ هسته برای این نیست که آنها کار بدی میکنند اشخاصی که خیلی پررنک هسته خودشان را طوری نشان میدهند مثل این که مساتل یا آنها الهام میشود و بعد در يك مجلسی که هستند حاضرین خیال می‌کنند که هر چه اینها می‌گویند بهشان الهام میشود در صورتی که ممکن است یکی بآنها الهام بشود و دوتاهم خودشان بگویند و باین جهت حکومت می‌کنند بر دیگران، این است که بنده عقیده دارم که اشخاصی که خیلی پررنک هستند نباید در دولت‌ها وارد شوند (صحیح است) و در آنها يك اثری باشد بالاخره بآقای نخست وزیر عرض کردم ممکن است خودتان وزارت کشور را قبول بفرمائید گفتند که من بواسطه کسالت مزاج نمیتوانم وزارت کشور را قبول بکنم، گفتیم خوب عجالتاً وزارت کشور را قبول بفرمائید بعد ما هم صورتی که حقیقتاً مورد اتفاق است انتخاب و تهیه میکنیم بالاخره باین صورتی در آمد که آمده اند بنده می‌خواستم عرض کنم که ما از دولت آقای حکیمی انتظارمان این است که يك سیاسی را اتخاذ و تعجب نکند که جنبه بیطرفانه داشته باشد و فعلاً وضعیت شمال يك وضعیت خوب پیدا کند هر عملیاتی که در این مرکز می‌کنند اگر عملیات يك طرفی نباشد انعکاش در شمال خوب نباشد بنده شنیدم که يك انتخاباتی هم در همین دوسه روزه در وزارت کشور کردند که حقیقتاً هیچ انتظاری نداشتم که در وزارت کشور يك همچو انتخاباتی بشود بنده امیدوارم که يك همچو دولتی که

در مجلس شورای ملی حقیقه يك اكثریت باین مهمی پیدا نموده اند يك کارهایی بکنند که حقیقه مفید برای این مملکت باشد و امراجع مسئله خیر آباد که عرض کردم و راجع بوزراء مجرمین و احزائیون بدو قسمت میکنند، یکی مجرمین بالفطره است و یکی هم مجرمین بالعرض مجرمین بالفطره آنهایی هستند که هیچوقت نمایل خوب ندارند مجرمین بالعرض آنهايي- هستند که ممکن است بالعرض مجرم باشند و بجهتانی يك کارهای بدی بکنند بنده همینطور صالحین را بدو دسته قسمت میتوانم بکنم صالحینی که حقیقه بالعرضی که باشد کار بدی نمی کنند اخیراً شنیدم که یکی از محاکم دادگستری یکی از نمایندگان مجلس را که حقیقه مضمون هستند و معصوم هستند محکوم کردند در همجواری که مملکت حقیقه بالعرضی اینطور است يكقاضی باین رشیدی که يك نماینده مجلس را محکوم بکند این قاضی را حقیقه باید دستش را بوسید (صحیح است) در این مملکت که بنده امروز می شنوم که در اداره ژاندارمری که اداره تأمینیه مملکت است در آنجا يك میلیون و چهارصد هزار تومان اختلاس شده است در اداره تأمینیه مملکت آنوقت در وزارت دادگستری يك همچو اشخاصی پیدا میشوند که امروز اینطور رأی میدهند، اینطور قضاوت می کنند. حقیقه این راهیچکس نمیتواند منکر بشود که ایرانی حقیقه صالح بالفطره است (صحیح است) بکده ای هم هستند که صلاحیت بالعرض دارند یعنی آنهایی که شاید فطرتاً نمیخواهند کار خوب بکنند ولی عقشان حکم می کند کار خوب بکنند حالا وزرای ما هم همینطور هستند بکده وزرائی هستند که حقیقه بد عمل می کنند این مجرم بالفطره هست اینها را عرض کنم که باید مجازات کرد يك وزرائی هم هستند که اینها می گویند که ما چیز نداریم و مبلغی هم مقروض هستیم و اگر يك انتشاراتی در اطراف اینها میدهند بواسطه بی چیزی آنها است اینها واقعا مجرم بالفطره نیستند مجرم بالعرض هستند میگویند چیزی نداریم هر چیزی را که بهشان بدهند قبول می کنند اینها را آقا باید بامستطمشان کرد یا از شان قول گرفت که کار برخلاف نکنند.

(تهرانچی - باز هم میکنند آقا) عرض کنم باین است که اینها را باید داخل در کار نکرد. مملکت چه تفصیری دارد که يك وزیر اعلان می کند که من چیزی ندارم و اگر يك کاری هم می کنم بواسطه بی چیزی است چون قرض دارم. اینکار غلطی است اینها را باید جلوگیری کرد و يك کارهایی بهشان داد که نتوانند يك خسارات مهمی باین مملکت بزنند حالا بنده راجع بکمیسیون عدلیه مجلس شورای ایلی که آنرا بنده جزء دسته صالحین میدانم حالا نمیتوانم که بعضی از آقایان را صالح بالفطره تصور کنم یا صالح بالعرض تصور کنم واقعا این را بنده نمی دانم و مشکوک هستم برای اینکه بنده می بینم که از اول مجلس تا حالا چندین اعلام جرم بسبب راجع بدین آمده است باین کمیسیون دادگستری و مانده است در صورتی که مطابق قانون محاکمه وزراء کمیسیون عرایض بموجب ماده ۴ - ماده ۵ بموجب ماده ۳ - اساساً کمیسیون عرایض حق ندارد بیش از یازده روز اعلام جرم را نگاهدارد (فرخ- بیست روز) کمیسیون عدلیه مجلس بیش از یکماه حق ندارد که اعلام جرم را نگاهدارد اعلام جرم مگر چقدر وقت لازم دارد که يك اعلام جرم را در آنجا نگاه میدارند، يك اعلام جرم مگر خواندنش چه کاری دارد که بخوانند و بگویند که این اعلام جرم تعقیب بشود یا نشود الان از اول دوره مجلس شورای ملی تا حالا چندین اعلام جرم در در کمیسیون عدلیه مجلس مرتباً مانده است بنده وقتی که این اعلام جرم را نوشتم اتفاقاً يك کسی پیدا شد و گفت چه مینویسی آقا؟ شما چرا بی جهت اینکار را میکنید، این اعلام جرم بیش از يك ده شدن انگی عمل میکند، ده شدن انک ممکن است آذت داشته باشد ولی اعلام

جرم ناهست عمل میکند (صحیح است) این است که بنده از آقایان اعضاء کمیسیون عدلیه تقاضا میکنم که اینها را يك قندری از کمیسیون عدلیه زودتر بیرون بکنند اگر غلط است که زود رای بدهند و اعلان تبرئه بدهند و اگر وارد است گزارش بدهند کار را بمجلس الناس علی سلوک ملوکهم مجلس اگر بد باشد محاکم ما هم بد میشود در دیوان کشور که بزرگترین و مهمترین محاکم قضائی این مملکت است همین اعلام جرم تدین که در مجلس تصدیق شده است هنوز در دیوان کشور دست بهش نزده اند، میگویند در مجلس چند فقره دیگر هست هر وقت که آوردند رسیدگی میشود این حرف شد آقا اعلام جرم وقتی که از طرف مجلس ابلاغ شد باید فوراً رسیدگی کنند و عقیده اش را اظهار بکنند طرفه از کار نباید زد، طرفه از کار نباید بکنند این کاری که مجلس پیش گرفته است انعکاسش در خارج از ادارات دولتی طوری است که واقعا زندگانی خیلی مشکل خواهد شد ما باید يك کاری بکنیم که سرمشق جاهای دیگر باشیم کمیسیون دادگستری مجلس باید سرمشق دادگستری باشد هر چه اینجا بکنند آنجا انعکاس پیدا میکند بنده مخصوصاً از آقایان استدعا میکنم که کمیسیون عرایض در ۱۵ روز، کمیسیون دادگستری این اعلام جرمی را که بنده دادم در عرض يك ماه که بعداً کثر همین شده است عقیده شان را اظهار بکنند و يك کاری نکنند که بمجلس توهین وارد آید.

راجع بوقایع آذربایجان

در جلسه ۱۸ آذر ۱۳۲۴ مجلس شورایی با توجه بوقایع آذربایجان که

تازه شروع شده بود مطالب ذیل را بیان نمود (نقل از مذاکرات مجلس شماره ۲۴۳ مورخ ۲۰ آذر ۱۳۲۴ صفحه ۳۸۳).

دکتر مصدق - از زمانیکه دولت حکیمی تشکیل شده يك اوضاعی در این مملکت ایجاد شده که حقیقتاً اسباب نگرانی عموم شده است (صحیح است) من هیچ نمیخواستم در این باب صحبت بکنم تا از طرف دولت اظهاراتی در مجلس بشود ولی فشار موکلین من مرا مجبور کرد که امروز در مجلس عرایضی را که لازم میدانم عرض کنم اقلیت سابق که امروز جزء اکثریت شده است بشدت از مجلس دوری کرد چند ماه با دولت و مجلس مبارزه کرد برای اینکه وضعیت بهتر شود (طباطبائی - بدتر شد) متأسفانه آمدیم بمجلس و وضعیت بهمان حالی که بود هست من میخواستم که در این دولت، در تشکیل این دولت دقت هائی بشود و تشکیل این دولت از عناصر رنگین و اهل بند و بست بکلی معزوم باشد، اشخاصی که رنگین هستند و اهل بند و بست هستند داخل این دولت نشوند و این دولت بتنام معنی مورد اعتماد جامعه باشد، متأسفانه این نظریات شخص من بهیچوجه عملی نشده است ما واقع شده ایم بین دو دولت متفق دوست مجاور ما باید با این دو دولت بتنام معنی از روی صمیمیت راه برویم (جمال امامی - ما که صمیمی هستیم آنها نیستند) بلی، و طوری نشود که کوچکترین سوء تفاهمی بین ما دو دولت مجاور تولید بشود ولی متأسفانه کار سوء تفاهم بجائی رسیده است که قشون ما در شریف آباد متوقف شده است (صحیح است) من واضح و روشن عرض میکنم که دولت ایران اهل جنگ نیست (صحیح است) و چنانچه متفقین ما بخواهند بعنوان ما جنگ بکنند برای ما گران تمام میشود (صحیح است) هر يك از متفقین که قلبه بکنند بر ضرر ما تمام میشود، ما باید بین دو دولت مجاور زندگی کنیم و دو سایه دوستی این دو دولت مجاور استقلال خودمان را حفظ کنیم (صحیح است) ما نباید بهر طریقی که شده رفع سوء تفاهم بکنیم - مگر نه این است که در سایر ممالک